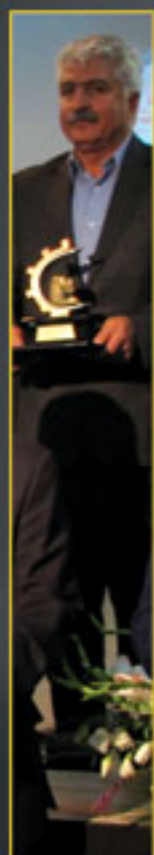


نامه اتاق بازرگانی کرمانشاه

شماره
43 www.krccim.ir

نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه / مرداد ۱۳۹۲
Kermanshahi Chamber Of Commerce, Industries, Mines & Agriculture

صادرات از تشویق تا تنبیه



افتتاح مرکز داوری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه
برگزاری مراسم گرامیداشت روز صنعت و معدن
انتظارات بخش خصوصی از دولت تدبیر و امید
معرفی استان صلاح الدین کشور عراق
گفتگو با سید مظفر عبدا...، مدیرعامل شرکت روزین تاک
افق روشن اقتصاد ابه ای
درمان اقتصاد مریض، اولویت اصلی برنامه کاری دولت آینده
تفکر دولتی مانعی بزرگ در نقش آفرینی سازمان های مردم نهاد
ایا بازار آزاد مانع از فساد و رانت جویی می شود؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نام اتاق کرمانشاه

نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه
سال نهم، شماره ۴۰ و ۳۹، مردادماه ۹۲

Kermanshah Chamber Of Commerce,
Industries, Mines & Agriculture

صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه
مدیر مسئول: کیوان کاشفی
سر دبیر: کلاویژ قهرمانی
ویراستار: واحد روابط عمومی
تلفکس روابط عمومی و پذیرش آگهی: ۰۸۳۱ ۸۲۵۴۵۴۶
گرافیک و صفحه آرایی: کلاویژ قهرمانی
لیتوگرافی/چاپ/صحافی:

آدرس: کرمانشاه، بلوار شهید بهشتی، شماره ۵۳۵،
کد پستی: ۶۷۱۵۶۴۵۵۱
تلفن: ۵۱-۴۱-۰۸۳۱ ۸۲۲۸۱۳۱ / فاکس: ۰۸۳۱ ۸۲۲۸۱۶۱
پایگاه الکترونیکی: www.krccim.ir
پست الکترونیک: info@krccim.org

- نشریه اتاق بازرگانی کرمانشاه از عموم اعضا، محققان و نویسندگان مقاله و نقد می پذیرد.
- نظرات مندرج در نشریه الزاما نظر نشریه نیست.
- نشریه ی اتاق کرمانشاه در اصلاح، تلخیص و ویرایشش محالبا آزاد است.
- مطالب ارسال شده برگردانده نمی شود.



در این شماره میخوانیم

- سخن نخست ۲
- بخش مقالات
- ۳ درمان اقتصاد مریض، اولویت اصلی برنامه کاری دولت آینده
- ۴ مدل سازمان دهی برون سپاری در صنایع با تکنولوژی روز افزا
- ۶ تفکر دولتی، مانعی بزرگ در نقش آفرینی سازمان های مردم نهاد
- ۱۲ صور خاص جرم کلاهبرداری
- ۱۴ زندگی دیجیتال، تهدید یا فرصت؟
- ۱۷ نقش دانشگاه ها در بازار کار
- ۱۸ مزیت های نسبی تولید رویکردی بنیادین در برنامه ریزی راهبردی توسعه کشاورزی
- ۲۵ آیا بازار آزاد مانع از فساد و رانت جویی می شود؟
- ۲۶ اهمیت زیست محیطی جنگل های بلوط زاگرس و لزوم توجه جدی به حفاظت از آنها
- ۲۸ شناسایی و اولیت بندی خوشه های کسب و کار استان کرمانشاه
- بخش بین الملل
- ۳۱ افق روشن اقتصاد آبه ای
- ۳۴ معرفی استان صلاح الدین کشور عراق
- ۳۵ قوانین تجارت بین الملل
- ۳۶ آشنایی با ده کشور گردشگر دوست، از ایسلند تا بورکینافاسو
- ۴۰ گزارش مجله دیراشیگل از پیشرفت خیره کننده اربیل
- ۴۳ بوگاتی، رویای سرکش یک نابغه
- ۴۴ فرصت سازی از تهدیدهای ناگهانی
- بخش گفتگو
- ۴۶ گفتگو با آقای سید مظفر عبدا...، مدیر عامل شرکت روزین تاک
- ۴۸ گفتگو با آقای شهاب تجری، سرپرست مرکز داوری اتاق کرمانشاه
- ۴۹ انتظارات بخش خصوصی از دولت تدبیر و امید
- ۵۲ گفتگو با آقای هادی کوزه چی، اقتصاد دان و مشاور سرمایه گذاری
- ۵۴ آمار و عملکرد کارت بازرگانی و گواهی مبدا در خرداد و تیر سال ۹۲
- ۵۸ برگزاری بیست و دومین جلسه هیئت نمایندگان اتاق کرمانشاه
- ۶۱ دیدار با سفیر عمان در محل سفارت سلطنت عمان
- ۶۲ برگزاری اجلاس روسای اتاق های منطقه غرب کشور
- ۶۳ افتتاح مرکز داوری اتاق کرمانشاه
- ۶۴ برگزاری مراسم گرامیداشت روز صنعت و معدن
- ۶۶ نشست هم اندیشی سرمایه گذاران کرمانشاه با مسئولین استان
- ۶۹ اطلاعیه ها
- ۷۰



صادرات از تشویق تا تنبیه

مواجه گردیده و کار به جایی رسید که سازمان توسعه تجارت بطور رسمی بحث حذف جوایز صادراتی را مطرح نمود و بدون تصویب این امر در اسناد بالا دستی پرداخت تمامی مشوق ها متوقف گردید. این امر با افزایش نرخ ارز حالت رسمی تری به خود گرفته و به نظر می رسد حذف کامل مشوق های صادراتی، سیاست قطعی دولت دهم بوده است.

اما تحولات نرخ ارز در یکسال اخیر این باور را که شاهد جهشی در صادرات غیرنفتی خواهیم بود را تقویت کرد. و این امید که قطع پرداخت مشوق ها با افزایش نرخ ارز که امکان رقابتی شدن کالاهای ایرانی را فراهم می نمود جبران گردد پررنگ تر گردید اما صدور سیل بی سابقه ای از بخشنامه ها و دستورالعمل ها که بسیاری از آنان در تعارض با قوانین موجود و اسناد برنامه پنج ساله بود باریدن گرفت و با ممنوعیت صادرات ۵۲ قلم آغاز و سپس با تغییرات مداوم در ممنوعیت ها و تعرفه ها صادراتی، کشور را با سردرگمی عجیبی مواجه نمود که حاصل آن در آمارهای صادراتی سال قبل خود را نشان داد و فرصتی که گمان می رفت می تواند به جهش در صادرات منجر گردد به کاهش صادرات انجامید اما این امر جوانب و شاخه های دیگری نیز داشت و وجود سه نرخ برای ارز در کشور مسئولین را بر اجرای پیمان سپاری ارزی مصمم نمود هرچند در اصطلاح به نام اخذ تعهد ارزی عنوان گردید اما بتدریج آثار این تعهد بر فضای صادرات کشور سنگینی نمود و کار برای صادرکنندگان خوشنام و فعال کشور سخت تر گردید. بطوری که زمزمه هایی خارج نمودن صادرکنندگان از زمره معافین مالیاتی نیز شنیده می شد. این امر در ابتدا به این بهانه که صادرکنندگان نیز می بایست اظهارنامه مالیاتی خود را برای برخورداری از معافیتها تحویل می نمودند عنوان شد اما با توجه به تعارض این امر با قوانین موجود نمی توانست توجیه قانونی را به دست دهد. لذا برابر شنیده ها قرار است در سال جاری معافیت مالیاتی در گرو ایفای تعهدات ارزی و بازگشت ارز حاصل از صادرات به مرکز مبادلات ارزی باشد، کاری که خود دارای جنبه های فراوان به لحاظ اجرا است. در هر صورت به نظر می رسد صادرکنندگان کشور بدون کوچکترین نقشی در ایجاد وضعیت درهم فعلی صادرات و صرفاً به دلیل عدم تدبیر لازم در بین تصمیم گیران اقتصادی کشور می بایست با مشکلات و تنبیهات مختلفی مواجه گردند. کاری که بی شک موجب کاهش صادرات قانونی و روی آوردن به جنبه های مختلف قاچاق در کشور خواهد گردید. به نظر می رسد یکی از وظایف اتاقهای بازرگانی کشور در این برهه ی زمان تدوین سیاستهای تشویقی در حوزه ی صادرات با در نظر گرفتن شرایط موجود کشور و ارائه آن به دولت جدید است. این امر از یکسو به آشفته گی فعلی در امر صادرات خاتمه خواهد داد و از سوی دیگر موجب بازگشت قطار صادرات به ریل اصلی خود گردیده و به تحقق شعار صادرات محور توسعه پایدار کشور کمک شایانی خواهد نمود.

ابتدای دهه ی ۸۰ با مشخص شدن نقش بی بدیل صادرات در توسعه اقتصادی کشور و عزم مسئولین بر توسعه آن کم کم بحث اعطاء مشوق ها به صادرکنندگان آغاز شد و به تدریج پرداخت جوایز و مشوق های صادراتی از اهداف اصلی سازمان توسعه تجارت جهت افزایش صادرات غیرنفتی کشور قرار گرفت. بر همین اساس هر سال در بودجه دولت سهم این سازمان جهت پرداخت مشوق های صادراتی منظور و طی پروسه ای از طریق سازمانهای بازرگانی وقت پرداخت می گردید. عمده مشوقها به، پرداخت نقدی حدود ۳٪ از ارزش صادراتی کالاها به صورت نقدی یا در غالب سهام، پرداخت یارانه جهت شرکت در نمایشگاههای خارجی که دارای مجوز از سازمان توسعه تجارت بوده اند، پرداخت یارانه به هیأتهای تجاری اعزامی و یا پذیرشی و پرداخت درصدی به طرحهای زیرساختی جهت توسعه صادرات را شامل می گردید. چگونگی پرداخت این مشوق ها همواره مورد نقد تولید کنندگان و صادرکنندگان کشور قرار داشت، زیرا از یکسو پرداخت مشوق ها بسیار زمانبر و طی فرایندی طولانی بود و معمولاً با تاخیر ۲ ساله پرداخت می گردید که با توجه به تورم بالای موجود در کشور تأثیر مهمی بر روند صادرات نمی داشت و از سوی دیگر میزان آن که همواره بر روی ۳٪ ثابت مانده بود موجب گله مندی صادرکنندگان بود زیرا از دید آنان این مبلغ نه جایزه، بلکه نوعی کمک هزینه برای ارزان تر شدن صادرات و قبول ریسک ارسال کالا به سایر کشورها بود. ضمن اینکه تقریباً در تمام کشورهای در حال توسعه پرداخت مشوق ها در سطوح بالاتر از کشور ما در حال انجام است و این مسئله در فضای رقابتی موجود در بازارهای منطقه می توانست نقش مهمی در پائین آوردن قیمتها و امکان رقابت ایفا نماید.

اما وجود همین مشوق های محدود با پرداخت طولانی مدت هم تأثیر خود را بر صادرات غیرنفتی کشور نشان داد و جهش صادراتی در سالهای اخیر و پیشی گرفتن از اهداف ترسیمی برای صادرات کشور در برنامه های تدوینی پنج ساله از علائم مثبت این سیاست در توسعه صادرات غیرنفتی کشور بوده است. اما در سه ساله اخیر با توجه به کسری بودجه دولت دهم اولین بخشی که در آستانه حذف قرار گرفت مشوق های صادراتی بود که به تدریج روند پرداخت آنان طولانی تر گردید. و به رغم تمام وعده وعیدها که معمولاً در جلسات و همایشها مانند روز ملی صادرات عنوان می گردید، حتی ایفای تعهدات مانده سالهای قبل هم با مشکل

کیوان کاشفی

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه



مقالات

درمان اقتصاد مریض، اولویت اصلی برنامه کاری دولت آینده
مدل سازماندهی برون سپاری در صنایع با تکنولوژی روز افزا از تئوری تا عمل
تفکر دولتی، مانعی بزرگ در نقش آفرینی سازمان های مردم نهاد
صور خاص جرم کلاهبرداری
زندگی دیجیتال؛ تهدید یا فرصت؟ / حریم خصوصی در دنیای دیجیتال وجود ندارد
جهان در حال تحول و بازنگری/نقش دانشگاه ها در بازار کار
مزیت های نسبی تولید/ رویکردی بنیادین در برنامه ریزی راهبردی توسعه ی کشاورزی
آیا بازار آزاد مانع از فساد و رانت جویی می شود؟ / فرضیه های اقتصاد نولیبرالی در بوته ی نقد
اهمیت زیست محیطی جنگلهای بلوط و لزوم توجه جدی به حفاظت از آنها
شناسایی و اولویت بندی خوشه های کسب و کار کرمانشاه با استفاده از مدل تصمیم گیری سلسله
مراتبی (AHP)



• ناصر مرادی
• عضو هیئت نمایندگان اتاق کرمانشاه
• عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران
• رئیس شورای ملی نخود ایران

برکسی پوشیده نیست که اقتصاد ایران طی چند سال اخیر با وجود افزایش درآمدهای ارزی، به دلیل نبود سیاست‌های صحیح اقتصادی و بهره نرفتن از ظرفیت‌های انسانی در این زمینه و عدم استفاده از نظرات کارشناسانی صاحبان اندیشه در حوزه اقتصاد، دچار بیماری گشته است. همین امر سبب شده تا «درمان اقتصاد بیمار» اولویت اصلی برنامه کاری دولت آینده قلمداد شود. در این باب، به چند مشکل اساسی اقتصاد کشور اشاره خواهیم داشت.

درمان اقتصاد مریض اولویت اصلی برنامه کاری دولت آینده

اقتصادی صورت خواهد گرفت. اگر خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴ به خوبی انجام و بخش خصوصی تقویت شود، کشور ما در جریان تحریم‌های احتمالی آینده، کمتر آسیب خواهد دید.

دولت جدید با داشتن برنامه‌ای منسجم و مشخص برای هدایت اقتصاد کشور در شرایط کنونی در دو مقطع اجرایی کوتاه مدت و بلند مدت می‌تواند از فشارهای اقتصادی کاسته و با افزایش امید به آینده خود به خود راه برای کاستن از مشکلات اقتصادی را هموار می‌کند. برخی از مشکلات اقتصادی کشور از قبیل تورم، بیکاری، رفع فقر، ساختاری و مزمن است که در کوتاه‌مدت قابل حل نیست و برای رفع معضلاتی از این دست نیاز است که دولت آتی براساس برنامه‌های توسعه‌ای پنج‌ساله و در راستای قانون حرکت کند.

تورم ناشی از بی‌انضباطی مالی دولت و رشد نقدینگی

حجم فزاینده نقدینگی که در نتیجه سوء مدیریت اقتصادی است، در کنار تحریم‌های غرب علیه کشورمان، رکود تورمی را فراهم آورده است. بی شک در کوتاه مدت نمی‌توان نرخ تورم را به حد نرمال و مطلوبی رساند، اما در صورتی که اقتصاد در مسیر درست قرار گرفته و بهبود اوضاع اقتصادی همراه با ثبات آن در جامعه احساس شود، خود موفقیتی نسبی محسوب می‌شود. پس دولت آینده می‌تواند در کوتاه‌مدت از طریق تنظیم بودجه‌های سنواتی، اعمال سیاست‌های منطقی پولی و مالی و کاهش رشد نقدینگی، تورم و بیکاری را کاهش و وضع درآمدی مردم را بهبود بخشد و علاوه بر این، زمینه رونق اقتصادی را فراهم کند. به موازات این موضوع می‌توان با بهبود روابط خارجی هزینه‌های بالایی را که اقتصاد کشور اقتصاد به دلیل نوع روابط کنونی‌اش متحمل می‌شود، کاهش داد.

رشد بی سابقه حجم پول در کشور و افزایش نقدینگی که از سال‌های قبل متراکم شده با توجه به اعمال سیاست‌های انبساطی پولی و مالی با ایجاد بی‌ثباتی، اقتصاد را از مسیر رقابتی خارج ساخته و شرایط زندگی گروه‌های اجتماعی به ویژه اقشار کم درآمد و ثابت درآمد را از نظر افزایش

وابستگی به درآمدهای نفتی اقتصاد ایران، با وجود تمامی اقدامات دولت‌های قبلی همچنان اقتصادی وابسته به نفت است و اکثر تحریمات بین‌المللی هم متوجه این نقطه ضعف بزرگ اقتصاد کشور است و تا زمانی که اقتصاد کشور وابسته به درآمدهای نفتی باشد علاوه بر اینکه از ظرفیت‌های بزرگ اقتصادی و انسانی کشور در زمینه‌های دیگر، به صورت بهینه و درآمدزا استفاده نمی‌شود، نظام مدیریتی کشور در سطوح بالای آن نیز در جایگاه واقعی خود نخواهد بود. دخالت دولت در اقتصاد و وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، وضعیت را به گونه‌ای نامطلوب رقم زده‌اند. دولت آتی ناگزیر است بخش خصوصی را تقویت کرده و از دخالت در اقتصاد پرهیز کند. حتی قوه مجریه باید وابستگی خود را به درآمدهای نفتی کاهش دهد.

وضع قوانین غیر مناسب و اجرای ناقص سیاست‌های خصوصی سازی

در سال‌های اخیر متأسفانه نبود ثبات در تصمیمات کلان و اجرای برنامه‌هایی که گاه‌گاه حتی یک روز هم دوام نمی‌آورد باعث گشته تا در بخش‌های واسطه‌گری و بازرگانی نسبت به بخش‌های صنعتی و کشاورزی شاهد بازدهی بالاتری باشیم. زمینه سازی برای بالارفتن بازدهی در بخش صنعت و کشاورزی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی با تزریق نقدینگی هدفمند و نیروی انسانی متخصص و متعهد به این بخش‌ها میسر خواهد بود. در صورتی که اگر به توانمندی‌های واقعی کشور در بخش‌های صنعتی و کشاورزی بهای بیشتری داده شود و با حرکت در راستای اصل ۴۴ و حمایت مناسب از خصوصی‌سازی، سرمایه‌گذاران واقعی را به این سمت متمایل کنیم قطعاً و یقیناً چرخه تولید در کشور ما به تکاپو افتاده و سایر سرمایه‌گذاران خرد نیز که هم‌اکنون سرمایه خود را در بازار ارز و سکه بکار گرفته‌اند، جذب این بخش‌ها می‌شوند. و همه این‌ها مستلزم آن است که قوانین و مقررات و برنامه‌های اقتصادی کشور قبل از اجرا شدن، توسط کارشناسان و اقتصاددانان بخوبی تحلیل و بررسی شده تا با سنجیدگی این قوانین و برنامه‌ها، برنامه‌ریزی‌های بهتری در جهت اجرای مقاصد



هزینه های زندگی و کاهش قدرت خرید با ناپایداری و عدم تعادل شدید مواجه می کند. راهکار دولت، ایجاد تعادل بین نقدینگی و رشد اقتصادی است تا از طریق رونق اقتصادی و بازخورد تولید محصولات و افزایش اشتغال و تحرک به طرف عرضه اقتصاد، مانع از افزایش تورم شود. در واقع کنترل نقدینگی باید از طریق انضباط مالی دولت در مخارج بودجه در کوتاه مدت و همچنین بهبود بهره وری و اشتغالزایی در میان مدت انجام شود.

همچنین انضباط مالی از طریق کاهش هزینه های دولت و ایجاد توازن در بودجه کشور، حمایت از تولید، پایبند بودن به اهداف ایجاد صندوق حساب ذخیره ارزی و پرهیز از بکارگیری این منابع برای تامین کسر بودجه و اعطای تسهیلات ارزی به بخش های فاقد ارز آوری در کشور، تقویت فرآیند خصوصی سازی، کاهش سقف تسهیلات اعطایی به بخش دولتی و تجدید نظر در نرخ ارز و تعیین تنها یک نرخ واحد معقول برای آن را می توان از راهکارهای دیگر در راه مهار تورم برشمرد.

پول محوری در اشتغالزایی و نامناسب بودن فضای کسب و کار

یکی دیگر از مهمترین و اساسی ترین اولویتهایی که در سیاست گذاریها و برنامه ریزیهای اقتصادی باید به آن اهمیت داده شود، ایجاد اشتغال پایدار و تولید محور و کاهش نرخ بیکاری می باشد. در جهت کاهش نرخ بیکاری، می توان به توسعه صحیح و برنامه ریزی شده کسب و کارهای کوچک و متوسط و زود بازده اشاره کرد که رایج ترین این نوع کسب و کارها، کسب و کارهای خانگی است که به علت مزیتهایی که دارند به سرعت توسعه یافته و سهم به سزایی در کاهش نرخ بیکاری و توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشورها داشته اند.

نبود حمایت از تولید

حمایت و توجه بیشتر به بخش تولید داخلی نیز اشتغالزایی و افزایش ثروت در اقتصاد را به دنبال خواهد داشت. البته حمایت از تولید داخلی نباید به «ممنوعیت واردات» کالای مشابه تعبیر شود که در این صورت نه تنها به سود تولید داخلی نبوده، بلکه تولید داخلی را در رقابت با تولیدهای خارجی بسیار ضعیف می نماید. در واقع حمایت باید بگونه ای باشد که توان رقابت با کالای خارجی را داشته باشد و بتواند در بازارهای بین المللی به عنوان رقیب جدی محصولات خارجی، جایگزین آن محصولات شود و با افزایش صادرات کشور، به اقتصاد و اشتغال کمک بیشتری نماید. حمایت از تولید و ایجاد یک محیط رقابتی، اصلاح و بهبود تکنولوژی تولید و یا کاهش هزینه ها را به دنبال خواهد داشت و برای بهبود تکنولوژی و کاهش تولید بنگاه مجبور خواهد بود که به سمت ابداع و نوآوری برود و در این صورت است که افزایش تولید به صورت مستمر و مداوم خواهد بود. از طرف دیگر مصرف کننده نیز با روبه رو بودن با انتخاب های جدید و بهتر به لحاظ کیفیت روبه رو خواهد بود و با خرید و استفاده از این محصولات، مطلوبیت و رضایت مندی خویش را بالا می برد. در جمع بندی موضوع باید گفت اگر تورم ناشی از بی انضباطی مالی دولت، عدم استقلال بانک مرکزی در تدوین و اجرای سیاست های پولی، تکیه بر واردات بی رویه برای مهار قیمت ها، وضع قوانین غیر مناسب، اجرای ناقص سیاست های خصوصی سازی، فشار بر منابع بانکی برای تامین مالی طرح های اقتصادی، پول محوری در اشتغالزایی، دولتی تر شدن اقتصاد، بالا رفتن وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و نامناسب بودن فضای کسب و کار را فهرستی کوتاه و اجمالی از مشکلات کنونی اقتصاد ایران بدانیم، باید اذعان کرد که کلید حل این معضلات در اختیار مسئولان و مجریان کشور قرار دارد و برای آن کافی است که از تمامی ظرفیت های موجود به بهترین نحو استفاده کرده و با انتخاب کارشناسان و تیم اقتصادی کاربلد در پیکره دولت به اصلاح وضع کنونی پرداخت. ناگفته نماند که تلاش در جهت نیل به تمامی اهداف فوق در راستای حل مشکلات ذکر شده تنها متوجه دولت نبوده و احاد جامعه لازم است با تحمل یک دوره ریاضت و پایین آوردن سطح انتظارات از دولت به منظور حل یک روزه مشکلات، دولت آینده را در بهبود شرایط کنونی یاری رسانند.

بی شک در کوتاه مدت نمی توان نرخ تورم را به حد نرمال و مطلوبی رساند، اما در صورتی که اقتصاد در مسیر درست قرار گرفته و بهبود اوضاع اقتصادی همراه با ثبات آن در جامعه احساس شود، خود موفقیتی نسبی محسوب می شود.

در جهت کاهش نرخ بیکاری، می توان به توسعه صحیح و برنامه ریزی شده کسب و کارهای کوچک و متوسط و زود بازده اشاره کرد که رایج ترین این نوع کسب و کارها، کسب و کارهای خانگی است که به علت مزیتهایی که دارند به سرعت توسعه یافته و سهم به سزایی در کاهش نرخ بیکاری و توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشورها داشته اند.



مدل سازماندهی برون سپاری در صنایع با تکنولوژی روز افزا از تئوری تا عمل



• دکتر بابک جمشیدی نوید
عضو هیات علمی دانشگاه
مشاور مالی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه

رقابتی آن شرکت (صنعت) محسوب نمی شوند و برای آن شرکت وضعیت استراتژیک ندارند، به شرکت ها (صنایع) دیگر جهت افزایش بهره وری آن سازمان.

در پاره ای از تعاریف، برون سپاری را همراه با واگذاری حق تصمیم گیری می دانند ولی در صنایع با تکنولوژی روز افزا این مطلب مشروط و با توافق طرفین صورت می پذیرد، زیرا اکثراً در ساخت قطعات پیچیده فرآیندهای خاصی وجود دارد که قابل تغییر نمی باشد، مگر دستیابی به یک تکنولوژی نوین که می بایست مورد بررسی و بحث و آزمایش قرار گیرد. (اینترنت، برون سپاری، ۱۳۸۹)

همچنین در پاره ای از تعاریف فرق بین برون سپاری و پیمانکاری فرعی را ذکر نموده اند که از دیدگاه نگارنده خیلی نمی توان آنها را از هم جدا نمود و می توان گفت این دو به نوعی همپوشانی دارند. حداقل در صنایع با تکنولوژی روز افزا با توجه به عدم انتقال کامل حق تصمیم گیری - که در تعاریف نقطه عطف تفاوت بین برون سپاری و پیمانکاری فرعی ذکر شده است - نمی توان تفاوت بزرگی بین این دو قائل شد.

در راستای برون سپاری سوالات زیر همیشه مطرح است:

- ۱- اساساً چرا استراتژی برون سپاری باید انتخاب شود؟ (Why)
- ۲- کدام بخش از فعالیت های سازمان می بایست برای برون سپاری برگزیده گردند؟ (What)
- ۳- فعالیت های برگزیده به چه کسانی واگذار گردند؟ (Whom)
- ۴- پس از برون سپاری این فعالیتها چگونه کنترل و مدیریت گردند؟ (How)

در این مقاله سعی گردیده که به تمامی این سوالات پاسخ مناسب ارائه گردد.

- برون سپاری دارای سطوح مختلف می باشد که در ذیل آمده است:

- ۱- در سطح قطعات و اجزاء (Component Parts)
- ۲- در سطح فرآیندها (Process)
- ۳- در سطح وظیفه (Functional)
- ۴- در سطح فرد (Individual)

لازم به ذکر است که در این مقاله بر روی سطوح ۱ و ۲ برون سپاری تاکید گردیده است.

- فواید عمده برون سپاری

۱- تمرکز بر اهداف: با کاهش درگیری ذهن مدیران ارشد جهت تولید قطعات کم اهمیت تر در فرآیند تولید، ذهن ایشان جهت تمرکز بر اهداف استراتژیک و تولید محصولات استراتژیک آزاد می گردد. به عبارت دیگر از روزمره گی خارج شده و به آینده می اندیشند.

۲- تمرکز بر عملیات: افزایش اثر بخشی شرکت از طریق تمرکز بر روی فعالیتهای استراتژیک شرکت، یعنی فعالیتهایی که شرکت را از دیگر

چکیده
در این مقاله سعی شده است که با توجه به موجود نبودن مدلی مشخص جهت مراحل عملی برون سپاری، چارچوبی مشخص با توجه به تعاریف و استانداردهای علمی ارائه گردد. لذا ابتدا شرحی از تعاریف برون سپاری، فواید و دلایل عدم برون سپاری ارائه گردیده و در پی آن با ارائه نموداری توضیح داده شده که کدامین قطعات را در هر سازمانی می توان برون سپاری نمود. سپس مراحل عملی برون سپاری آمده که با ارزیابی تامین کننده آغاز گردیده و در این مرحله نگارنده نموداری را جهت ارزیابی تامین کننده ارائه نموده است و پارامترهای آن را شرح داده است. سپس یک به یک مراحل کاری از انعقاد قرارداد، نظارت بر عملیات تا خاتمه یک دوره و رتبه بندی و مشخص نمودن جایگاه همکاران صنعتی شرح گردیده است. در انتها نیز جایگاه سازمان و نیازهای سازمان جهت دستیابی به بهره وری بالاتر بصورت مختصر ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: برون سپاری، صنایع با تکنولوژی روز افزا، تامین کنندگان، مدل زور مدارانه، مدل مشارکتی، همکار (شریک) صنعتی.

مقدمه

این مقاله درصدد است تا با گریزی به موضوع برون سپاری مسیر خود را در راستای بیان اهداف، فواید، و رویکردهای علمی پیش گرفته و در نهایت مدلی جامع و عملی، جهت عملیات برون سپاری در صنایع با تکنولوژی روز افزا (Hi-tech) ارائه نماید.

صنایع با تکنولوژی روز افزا، صنایعی هستند که از آخرین تکنولوژی های پیچیده جهت ساخت قطعات و محصولاتشان استفاده می نمایند. این صنایع دائماً در حال گسترش دانش فنی و کسب مهارتهای حرفه ای جدید و حتی خلق آنان اهتمام دارند.

در تعریف برون سپاری و آثار آن پیتز دراکر می گوید: چنین امری در حکم تحولی بنیادین در ساختار سازمانهای جهان فردا است. این بدین معناست که دیگر الزامی نیست که شرکتهای بزرگ تجاری، دولتی، بیمارستانها و دانشگاه های بزرگ به تشکیلاتی بدل شوند که تعداد زیادی از افراد را در استخدام خود داشته باشند.

این قبیل موسسات به تشکیلاتی تبدیل می شوند که درآمدهای مالی و نتایج قابل اعتنایی را بدست می آورند، زیرا تنها بر فعالیتهایی تمرکز می کنند که به خاطر آنها مأموریت یافته اند. کارهایی را انجام می دهند که دقیقاً به اهداف سازمانی آنها مربوط است، کارهایی را که به خوبی می شناسند و به ریزه کاریهای آن آشنا هستند و نسبت به ارزش و اعتباری که دارند به انجام دهندگان آنها دستمزد و کارانه پرداخت می کنند. بقیه کارهای خدماتی اینگونه سازمانها به نهادهای بیرونی واگذار می شود. (اینترنت، برون سپاری، ۱۳۸۹)

و اما نگارنده از این دریچه به برون سپاری نگرسته که: برون سپاری عبارت است از واگذاری بخشی از فعالیتهای شرکت (صنعت) که مزیت



در ذیل شرح هر یک از حالات آورده شده است:

- ۱- وضعیت ستاره نقطه قوت شرکت و مزیت رقابتی شرکت است که بسیار استراتژیک می باشد. لذا در این وضعیت برون سپاری کاملاً اشتباه می باشد و می تواند خسارتهای جبران ناپذیری را به شرکت وارد آورد. زیرا در این حالت شرکت مزیت رقابتی خود را از دست می دهد.
- ۲- در این حالت که قطعه استراتژیک است ولی در فرآیند آن مشکل داریم بهترین راه حل مهندسی مجدد و دستیابی به روشی نوین جهت تولید است، زیرا این قطعه توان تبدیل شدن به ستاره را دارد. لذا باید بسیار با دقت عمل گردد، که برای شرکت مزیت رقابتی جدیدی ایجاد گردد.
- ۳- در وضعیتی که فرآیندهای ضعیف و قطعه نیز استراتژیک نیست بهترین عمل برون سپاری قطعه می باشد. زیرا نه تنها چیزی از دست نمی دهیم بلکه می توانیم از این طریق به سود آوری نیز برسیم.
- ۴- چنانچه قطعه ای با حالت استراتژیک کم داریم ولی فرآیند خوبی برای آن داریم، بهترین راه حل ادامه تولید و بهبود مستمر و تولید قطعات است که می تواند سود سرشاری را به سازمان واریز نماید. (ناجی زاده، ۱۳۸۸، دانشگاه مدیریت صنعتی تهران).

- مدل های ارزیابی و انتخاب تامین کنندگان:

هنگامی که استراتژی مناسب جهت یک صنعت برون سپاری انتخاب گردید، مهم ترین مسئله انتخاب تامین کنندگانی است که بتوانند نظرات صنعت را برآورده نمایند. در این راستا می بایست صنایع ارزیابی و سپس جهت همکاری انتخاب گردند.

- جهت انتخاب تامین کنندگان دو استراتژی وجود دارد:

۱- مدل زورمدارانه (Arms Length Model):

این استراتژی بیشتر برای خرید کالاهای موجود در بازار کاربرد دارد که ارتقای توان چانه زنی و کاهش هزینه ها را در بردارد. از این طریق می توان کالای با کیفیت را، با بهترین قیمت در بازار تأمین نمود. از مزایای این روش کاهش وابستگی به تامین کنندگان می باشد. ولی قابل ذکر است که این مدل در بازارهایی کاربرد دارد که صنعت با وفور تامین کنندگان متخصص و ماهر (بازاری بالغ) مواجه است. مانند بازار کشور آمریکا که در آن تامین کنندگان متخصص که تبحر آنان مورد تایید است به تعداد زیاد موجود می باشند.

۲- مدل مشارکتی (Partner Ship Model):

در این استراتژی طرفین بر اعتماد به یکدیگر تکیه می نمایند و با غنی کردن سطح اطلاعاتی که به اشتراک می گذارند، سرمایه گذاری قابل توجهی در زمینه ی مشارکت به وجود می آورند که این امر به نوبه ی خود کاهش هزینه ها، بهبود کیفیت و تسریع در توسعه محصول را در پی خواهد داشت.

لازم به توضیح است که شرکت های ژاپنی بیشتر موفقیت خود را مرهون برقراری و حفظ روابط با تامین کنندگان طبق این مدل می دانند. البته نظر نگارنده نیز در این مقاله سود جستن از همین نوع استراتژی می باشد. (حافظ، ۱۳۸۲، تدبیر ۱۳۶)

ارزیابی اولیه:

جدول صفحه ی بعد توسط نگارنده ارائه گردیده است و مبین این مطلب است که بهتر است همکاران صنعتی خود را قبل از شروع به کار ارزیابی نمایند و از توان ایشان جهت قرار گرفتن در کنار شما و یاری رسانیدن به شما اطمینان حاصل نمایند.

در صفحه ی بعد نگارنده توضیح مختصری در خصوص توان مالی و توان فنی و سپس هر یک از حالات ذکر شده ارائه نموده است:

شرکتها متمایز می کند و مزیت رقابتی شرکت محسوب می شود.

- ۳- افزایش منابع مالی: با کاهش سرمایه گذاری بر روی دارایی های مورد نیاز جهت تولید قطعات و فرآیندهای قابل برون سپاری، فرصت های بهتری جهت استفاده از منابع مالی شرکت برای دستیابی به اهداف شرکت بوجود می آید.

- ۴- افزایش سهم بازار: با ارائه بخشی از فعالیتهای شرکت به شرکای صنعتی امکان دستیابی به سهم بیشتر از بازار و فرصت های بهتر کسب و کار افزایش می یابد.

- ۵- ایجاد فرصت: یعنی با برون سپاری نمودن یکسری عملیات و فرآیند ها، فرصت جهت دستیابی به تخصص ها، مهارت ها و تکنولوژی های نوین و بالاتر ایجاد می شود.

- ۶- تبدیل و کاهش هزینه ها: با واگذاری بخشی از فعالیت ها و فرآیند ها، هزینه های ثابت جهت این فعالیت ها به هزینه های متغیر یا دوره ای تبدیل می شوند.

- ۷- مدیریت زمان: با استفاده از زمان صرفه جویی شده (Time Saving) از این طریق مدیران عملیاتی فرصت می یابند که به بهبود و ارتقای فعالیتهای خود بپردازند و امکان بروز فکر و ایده های خلاق و نو آور افزایش می یابد.

- دلایل عمده عدم برون سپاری

- ۱- ضعف اطلاعات: یعنی برداشت صحیحی از هزینه های جاری و موجود در سازمان وجود ندارد.

- ۲- ریسک پذیری: به دلیل وابسته شدن فعالیت ها و محصول نهایی به دیگر تولیدکنندگان میزان ریسک ارائه قطعات در زمان تعهد شده افزایش می یابد.

- ۳- محیط: در محیط صنعت ارائه دهندگان خدمت که از توان برجسته ای برخوردار باشند وجود نداشته باشد.

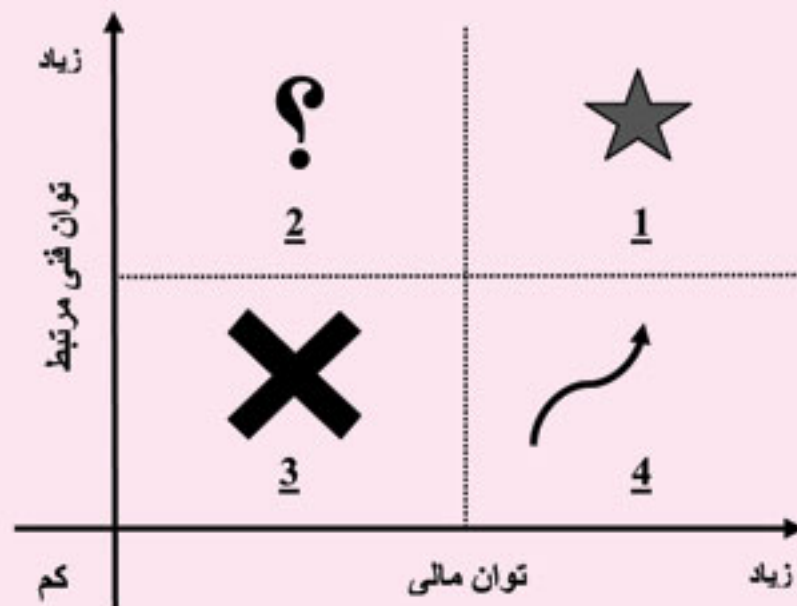
- ۴- وابستگی: با برون سپاری قطعات یا فرآیند ها، شرکت جهت تولید محصول نهایی به دریافت خدمات از ارائه دهندگان خدمات وابسته می شود.

- ۵- ایجاد رقیب: اگر برون سپاری به شکل صحیح مدیریت نگردد امکان ایجاد رقیب افزایش می یابد.

- چه قطعاتی برون سپاری گردند؟

در جدول ذیل وضعیت استراتژیک برون سپاری نمایش داده شده است. همانگونه که ملاحظه می گردد فرآیند برون سپاری با دو پارامتر وضعیت فرآیند و میزان استراتژیک بودن قطعه (فرآیند) برون سپاری شونده در نظر گرفته شده است.





الف) توان مالی هر تامین کننده: شامل موجودی ماشین آلات (از لحاظ تعداد و بهای آنها)، موجودی نقدی (جهت تامین مالی اولیه همکاری ها) و مکان تولید (استیجاری یا مالکیت، مساحت و ...) می باشد. سنجش توان مالی جهت موجب اطمینان از توالی ارائه خدمت توسط سازمان ارائه دهنده خدمات می شود.

ب) توان فنی هر تامین کننده: در بر گیرنده بخش های متعددی می شود که در ذیل آورده شده است:

ب-۱) نیروی انسانی ماهر: مهم ترین توان در هر سازمانی همانا نیروی انسانی ماهر می باشد که در این جدول در زمره توان فنی در نظر گرفته شده است.

ب-۲) استانداردها: صنایعی که توانسته اند حداقل استانداردهای اولیه (مانند ISO) را جهت کسب و کار دریافت نمایند جهت همکاری مطمئن تر می باشند. هر چه این استانداردها برتر باشند نشان از توان بالاتر یک سازمان می باشد.

ب-۳) صنعت سبز: با توجه به اهمیت مسائل زیست محیطی صنایعی که تولیدات آنها مطابق با استانداردهای مورد نیاز و دوستدار محیط زیست باشد جهت ادامه همکاری بهتر هستند. توجه داشته باشید که با توجه به اهمیت این مطلب در دنیای کنونی بزودی مراجع قانونی مرتبط به آن سو پیش می روند که از فعالیت صنایعی که تولیدات آنها به طبیعت آسیب می رساند جلوگیری نمایند.

توجه: جهت امتیاز دهی می بایست، هر صنعت ابتدا موارد بالا را وزن دهی نماید و سپس آنها را محاسبه و در جدول جا نمایی کند.

• نکته - پارامتری برتر از توان مالی و توان فنی: برند (Brand) تجاری یک شرکت وزنی بیش از مطالب پیش آورده شده دارد. یک برند تجاری قوی توان همکاری بالایی را دارد که حتا بدون ارزیابی می توان با انعقاد قرارداد همکاری درست - که شرح آن در ادامه آمده - فعالیت را آغاز نمود.

• حالات مختلف جدول:

۱- در حالت اول (ستاره) تامین کننده توان مالی و توان فنی خوبی جهت همکاری دارد. پس می تواند مورد ارزیابی و امتیاز دهی قرار گیرد که بتوان از توان های بالفعل آن شرکت بهره جست.

۲- در حالت دوم (علامت سؤال) که تامین کننده از وضعیت خوب فنی برخوردار است ولی توان مالی خوبی ندارد می بایست سنجیده شود که آیا توان فنی او انحصاری است و آیا برای شرکت ما این امر استراتژیک است یا خیر؟! اگر چنین حالتی وجود دارد و این نیاز به همکاری وجود دارد می بایست همواره متوجه این امر باشیم که تأخیر در ارائه منابع مالی از سوی سازمان برون سپارنده بر روی تحویل قطعه یا فرآیند از سوی تامین کننده تأثیر گذار است. لذا باید منابع جهت این امر اختصاص یافته باشند.

۳- در حالت سوم که تامین کننده توان مالی و توان فنی پایینی برخوردار است همکاری کاملاً اشتباه است و فقط برای سازمان برون سپارنده هزینه بردار است و نتیجه ای حاصل نخواهد شد.

۴- در حالیکه در وضعیت چهارم که تامین کننده توان مالی خوبی دارد ولی در حال حاضر توان فنی خوبی ندارد می بایست امکان سنجی رشد صورت پذیرد و در صورت تمایل آن شرکت اقدامات لازم جهت توانمند سازی و انتقال دانش فنی و ایجاد تخصص صورت پذیرد.

البته سازمان برون سپارنده نیز جوانب را در نظر بگیرد که آیا این صرف وقت به سودآوری می انجامد یا خیر؟! و اگر سودآور است قراردادی منعقد گردد که در درازمدت بتواند از آن تامین کننده استفاده نماید و او را همیشه در اختیار داشته باشد.

لازم به ذکر است که این مدل برداشتی از توصیه های دکتر دمیگ و تجربه کاری نگارنده می باشد.

دکتر دمیگ می گوید: در برون سپاری بهتر است از انتخاب تامین کنندگان متعدد پرهیز نماییم و با شرکتهایی قرارداد ببندیم که توان ارائه اکثر فعالیتهای ما را داشته باشند. این امر مزایای ذیل را در بردارد:

۱- کم کردن هزینه ها با تمرکز فعالیتهای در یک منطقه ی جغرافیایی (حمل و نقل، اعزام کارشناسان و ...).

۲- آگاهی شریک صنعتی از حساسیت های ما نسبت به تولید و ایجاد احساس فنی مشترک (این مطلب در صنایع با تکنولوژی روز افزا بسیار با اهمیت است).

۳- امکان مدیریت منابع مالی در وضعیت رکود (مدیریت منابع مالی برای کار کردن با تعداد محدودی شرکت بسیار آسانتر از کار کردن با تعداد زیادی تامین کننده است).

۴- امکان برقراری ارتباط مالی بهتر در وضعیت بحران مالی (در صورت قرار گرفتن در وضعیت بحران مالی می توان از اعتبار کسب شده ی پیشین سود برد). (اینترانت داخلی سمت، ۱۳۸۵)

- تیم ارزیابی و امتیاز دهی:

جهت انجام ارزیابی تیمی متشکل از کارشناسان کیفی (Q.A)، کارشناسان فنی و کارشناسان نیروی انسانی می بایست تشکیل گردد که رهبری آن را بخش کنترل کیفی بر عهده دارد. این تیم می بایست طبق چک لیست های ارزیابی اقدام به ارزیابی و امتیاز دهی نماید. سپس تمامی نظرات و امتیازات به سازمان کنترل کیفیت جهت ارزش گذاری و اعلام امتیاز نهایی ارائه می گردد. (دستورالعمل سازمان سمت، ۱۳۸۹)

پیوست شماره یک، نمونه ای از یک چک لیست ارزیابی تهیه شده در یک صنعت با تکنولوژی روز افزا می باشد. این چک لیست حاصل زحمات کارشناسانی است که ۱۵ سال تجربه کاری و ارزیابی بیش از یکصد و چهل و پنج شرکت را در کارنامه خود دارند.

چک لیست مورد نظر شامل یک سری معیارهای اصلی است که در بعضی موارد در چند بخش آمده و سپس زیر معیارها (پرسش ها) قرار گرفته اند. هر معیار اصلی (یا هر بخش آن) امتیاز دهی گردیده است و زیر معیارها دارای امتیاز مساوی می باشند که با سکه گزین NA, NOK, OK مشخص می گردند که گویای تأیید، عدم تأیید و غیر قابل اجرا (فاقد کاربرد) می باشند.

وقتی گزینه NA علامت گذاری می شود امتیاز آن در زیر معیارهای دیگر تقسیم می گردد. همچنین است اگر معیاری در آن صنعت کاربرد نداشته باشد به امتیاز دیگر معیارها به نسبت تقسیم می گردد. حاصل این عملیات یک امتیاز است که بهره برداری ذیل را در بر دارد:

(۱) ۹۱ - ۱۰۰ تامین کنندگان ویژه **A**

(۲) ۷۱ - ۹۰ تامین کنندگان مجاز **B**

مطالب شفاف باشد.

۴- گانت زمان اجرای مراحل کار و تحویل کار مشخص گردد. مکان و زمان تحویل به همراه نوع بسته بندی بصورت شفاف مشخص گردد. (جرایم تاخیر و یا خسارات ناشی از مردودی کالا نیز می بایست در قرارداد ذکر گردد).

۵- نحوه پرداخت و زمان آن مشخص گردد.

۶- مباحث کنترل اجرای قرار داد مشخص گردد. بحث نظارت مستقیم و ارائه گزارش های مورد نیاز نیز می بایست مشخص باشد.

۷- درصد خطای مجاز را بهتر است در قرار داد نگنجانیم و این مطلب را در هنگام ارائه قطعات و یا حتی پس از ایجاد خطا اعمال کنیم و جزء تخفیفات به سازنده در نظر گرفته شود.

- شروع به کار و نظارت:

نظارت را به سه دسته تقسیم می کنیم و هر یک را شرح می دهیم:

۱- نظارت بر اطلاعات

۲- نظارت فنی

۳- نظارت مالی

۱- نظارت بر اطلاعات:

اطلاعات مهم ترین سرمایه یک شرکت است و نقش عظیمی را در فرآیند تولید ایفا می کند. زیرا بر مبنای اطلاعات می توان برنامه ریزی کرد تصمیم گیری نمود و استراتژی های مناسب را در زمان مناسب تدوین و اجرا نمود و ...

نظارت بر اطلاعات شامل جمع آوری اطلاعات، دسته بندی آنها، پردازش و طبقه بندی آنها می باشد که در اختیار مدیران سازمان جهت اتخاذ تصمیم مناسب قرار می گیرد. البته همانطور که می دانید به هنگام بودن، صحیح بودن و حجم اطلاعات از عوامل مهم در تصمیم گیری ها می باشند.

بطور مثال اگر مدیر به موقع از ایجاد مشکل برای قطعه ای با خبر شود می تواند به سرعت تصمیم بگیرد، چگونه این ایراد را برطرف نماید که جهت تولید محصول نهایی دچار مشکل نگردد.

متأسفانه بزرگترین ضعف مشاهده شده در سازمانهای ایرانی نحوه ارسال این اطلاعات است که در اکثر اوقات به صورت دستی می باشند و یا در مواردی که اطلاعات رایانه ای شده است نیاز به حضور کارشناسان برون سپارنده در مکان تامین کننده جهت تهیه گزارش ها می باشد.

در راستای اصلاح و بهبود وضعیت اطلاعات در سازمان ها و بهره برداری هر چه بیشتر و بهتر از اطلاعات، ایجاد سیستم های بین سازمانی (IOS) (Inter organization sys) به نظر ضروری می رسد که سازمان های ارائه دهنده خدمات در فایل ایجاد شده و تخصیص یافته به ایشان وارد شوند و نسبت به ثبت اطلاعات درخواستی یعنی TPS های مورد نظر (Transaction Processing sys) اقدام نماید و این اطلاعات سریعاً در سازمان برون سپاری کننده دریافت و پردازش گردند که به صورت (MIS) (Management information system) در اختیار مدیران قرار گیرد و یا به سیستم های پیشرفته تر موجود در سازمان مانند DSS, ESS, EIS مرتبط گردند. البته همانگونه که ذکر شد هنوز به نظر می رسد جایگاه اطلاعات در سازمان های ایرانی به خوبی درک نشده است و سازمانها حاضر نیستند جهت بهره برداری از این سیستم ها که هزینه های ایجاد، پشتیبانی و نوسازی را به همراه دارند، هزینه نمایند. (رنگریز، ۱۳۸۸، بخش دوم)

بارها مشاهده شده که یک ایراد در تولید در صنایع مختلف و حتی در یک

۳) ۷۰ - ۴۱ تامین کنندگان مجاز C

۴) ۴۰ - ۰ غیر مجاز ها D

نکته ۱: کسانی که رتبه D می آورند گرچه غیر مجاز شناخته شده اند ولی چنانچه فرآیند بخصوصی را داشته باشند که تامین کننده ی مجاز برای آن وجود نداشته باشد، به دستور مدیر ارشد سازمان و با رعایت تمامی جوانب احتیاط و نظارت دائم برون سپارنده از ابتدا تا انتهای انجام فرآیند، می توانند همکاری دوره ای را با سازمان داشته باشند.

نکته ۲: بعضی از تامین کنندگان که گوناگونی فرآیند و محصول دارند می توانند رتبه های متفاوتی را دریافت نمایند و بر اساس آنها می توانند تامین کننده ویژه یا مجاز بعضی قطعات باشند و جهت بعضی فرایندها نیز غیر مجاز شناخته شوند (بطور مثال می تواند در جوش دارای رتبه A باشد ولی در تراشکاری دارای رتبه D باشد).

- انتخاب همکار (شریک) صنعتی:

امتیاز ارزیابی یکی از پارامترهای انتخاب همکار (شریک) صنعتی می باشد و در هر سازمان می بایست معیارهای ذیل بررسی و وزن دهی گردند که بتوان همکار صنعتی مناسب را (جهت آغاز یا ادامه همکاری) انتخاب نمود:

۱- قیمت مناسب ساخت و رقابتی بودن آن.

۲- زمان پیشنهادی جهت ساخت قطعات.

۳- میزان تحقق تعهدات زمانی ساخت قطعات.

۴- تنوع فرآیندهای مورد همکاری.

۵- تنوع قطعات ساخته شده.

۶- تنوع قطعات مرجوعی (Reject).

۷- آخرین امتیاز ارزیابی و مقایسه آن با امتیازات قبلی.

۸- میزان اعتبار صنعت نزد سازنده قطعه یا ارائه دهنده خدمت.

۹- مدت همکاری.

۱۰- میزان استراتژیک بودن فرآیند مورد همکاری. (دستورالعمل سازمان سمت، ۱۳۸۹)

• تذکره: ترتیب ذکر پارامترهای فوق مربوط به وزن آنها نیست و جهت وزن دهی توسط هر صنعتی راساً توسط همان صنعت اقدام می گردد.

- انعقاد قرار داد:

پس از انتخاب تامین کننده مرحله انعقاد قرار داد می باشد که ذکر نکات ذیل ضروری به نظر می رسد:

۱- قرارداد به صورت برنده - برنده (win-win) منعقد گردد که برآورنده نظر دو طرف باشد. این مطلب موجب جلب اعتماد و ادامه همکاری می گردد که تسهیل کننده کار است و موجب سود آوری در آینده می گردد. توجه داشته باشید که در تجارت امروز دنیا روابط بر دو گونه بیشتر تعریف نشده اند یا هر دو طرف برنده و یا هر دو طرف بازنده اند. اکنون دیگر روابط یک طرفه معنا ندارد زیرا این امر باعث قطع شدن روابط در آینده ای نه چندان دور می گردد و این نوع روابط را بازنده - بازنده تعریف نموده اند.

۲- سعی شود تمامی مراحل کار از مرحله ۰ تا ۱۰۰ به یک تامین کننده واگذار گردد و اگر قطعه دارای فرآیندهایی است که بعضی از آنها در توان تامین کننده نیست جهت آن فرآیند منابع موجود معرفی گردد و مشاوره های لازم به تامین کننده داده شود. واگذاری فرآیندی قطعه به چند تامین کننده برای سازمان برون سپارنده ایجاد مشکل می نماید و چنانچه اختلاف یا ایرادی ایجاد شود باعث سردرگمی برون سپارنده در میان تامین کنندگان می گردد.

۳- در قرارداد مباحث فنی، مشاوره ای، نظارتی و ... گنجانده شود و



ب- لوح های اهدایی:

۱- لوح زرین:

الف) یک ستاره ۹۱-۹۴

ب) دو ستاره ۹۵-۹۷

ج) سه ستاره ۹۸-۱۰۰

۲- لوح سیمین:

الف) یک ستاره ۷۱-۸۰

ب) دو ستاره ۸۱-۸۵

ج) سه ستاره ۸۶-۹۰

۳- لوح مسین:

الف) یک ستاره ۵۰-۶۰

ب) دو ستاره ۶۱-۶۵

ج) سه ستاره ۶۶-۷۰

۴- به امتیاز زیر ۵۰ بنا به صلاحدید کلیه سازمانهای مسئول در امتیاز دهی و با نظر مدیریت ارشد سازمان جهت ترقیب ایشان به تلاش بیشتر لوح تقدیر اهدا می گردد.

- سازمان برون سپاری کننده (O.S.O (Out Sourcing Org.))

الف) منابع انسانی: همانا نیروی انسانی بزرگترین سرمایه یک سازمان می باشد. در O.S.O با توجه به اینکه نوک پیکان ارتباط با سایر صنایع



می باشد نیاز به روابط عمومی عالی برای تمامی پرسنل سازمان O.S.O در درجه اول اهمیت قرار دارد. نیاز به نفرات فنی دارای سابقه کار فنی بالای ده سال جهت نظارت بر فرآیندها و در صورت نیاز رفع ایرادات ابتدایی از ضرورت های O.S.O می باشد. (البته قابل ذکر است که این سازمان می بایست از سازمان کنترل کیفی شرکت نیز خدمات دریافت نماید بطوریکه استقلال آنان حفظ گردد. این خدمت، هم در تأیید قطعات و فرآیندها می باشد و هم در توانمند سازی و ارائه گواهینامه ها به همکاران صنعتی). نیاز به نیروی انسانی حقوقی جهت انعقاد قراردادهای، نیروی انسانی مالی جهت ارزیابی وضعیت مالی در حین و انتهای قراردادهای و نیاز به نیروی انسانی در بخش اطلاعات که کلیه اطلاعات سازمان را مانند اطلاعات فنی، مالی و ... را جمع آوری، ثبت و طبقه بندی نماید نیز از ضرورت های مورد نیاز این سازمان می باشد.

ب) منابع مالی: یکی از مشکلات سازمان ها خصوصا در حالت رکود که منابع مالی کم و محدود می باشند تخصیص این منابع و استفاده بجا از آنها می باشد. پس از بودجه بندی و تخصیص اعتبارات طبق انتظارات در مرحله پرداخت نیز سازمان برون سپاری کننده می بایست نقش نظارتی ایفا نماید. اغلب مشاهده گردیده در حالت رکود منابع اختصاص یافته به امر برون سپاری بدون هماهنگی با سازمان برون سپارنده در نقاط دیگر

صنعت ایجاد شده ولی حل مسئله قائم به شخصی بوده که قبلا با آن برخورد داشته و در غیر اینصورت مدتهای زیادی وقت صرف رسیدن به نتایج قبلی - که ثبت نگردیده بوده - شده است.

توجه فرمایید که در اینجا هدف، فقط ایجاد اطلاعات در نظر گرفته نشده است. بلکه می بایست این اطلاعات پس از ثبت، نگهداری، دسته بندی و قابل استفاده گردند که در صورت بروز مشکل بتوان به اطلاعات قبلی به سرعت دست یافت و یا در خصوص یک قطعه بتوان اطلاعات کاملی ارائه داد. این مطلب در سازمان های با تکنولوژی روز افزا بسیار مهم است زیرا می توان نحوه رشد را مشاهده نمود و بر ای موارد مشابه از تجربیات قبل استفاده نمود.

۲- نظارت فنی:

نظارت فنی شامل سه مرحله می باشد:

الف- نظارت دائمی

ب- نظارت موردی حین کار

ج- نظارت نهایی

الف- نظارت دائمی:

در مرحله توانمند سازی و شروع همکاری، یا تولید یک قطعه جدید، می بایست نظارت به صورت دائمی با حضور متخصصان سازمان برون سپارنده انجام پذیرد.

ب- نظارت موردی (حین انجام عملیات):

پس از مدتی همکاری وقتی مقداری اطمینان از توانمندی فنی تامین کننده حاصل گردید می بایست نظارت به صورت موردی یا فرآیندی در حین کار و نهایت کار انجام پذیرد.

ج- نظارت نهایی:

پس از اطمینان کامل از توانمندی تامین کننده صدور گواهینامه ی: «اجازه صدور، برگه قطعه قابل خدمت (Serviceable tag)» گام بعدی است که بر این اساس نظارت کار در تمامی مراحل بر عهده تامین کننده گذاشته می شود.

نکته ۱: جهت قطعات حساسی که می تواند خسارات بزرگی را به محصول نهایی وارد نماید کنترل موردی این قطعات حتی در این مرحله، در مقاطع مختلف زمانی منطقی به نظر می رسد.

نکته ۲: گواهینامه صادره جهت سازمان کنترل کیفی تامین کننده دارای طول مدت مشخصی است که می بایست در انتهای دوره ی مشخص شده ارزیابی مجدد و تمدید گردد.

- اعطای امتیاز و رتبه بندی در پایان هر دوره:

سازمان برون سپارنده در پایان هر دوره کاری (که توسط خود سازمان مشخص می گردد مانند شش ماهه، سالانه یا ...) می بایست عملکرد تامین کننده را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و طبق یک جدول استاندارد امتیاز دهی نماید و طبق آن امتیاز ها لوح هایی به منظور بسط همکاری ها و تشویق و توسعه شبکه تامین کنندگان ارائه نماید.

نمونه ذیل برگرفته از صنعت سمت (ساخت موتورهای توربینی) می باشد:

معیارهای ارزیابی	امتیاز معیار	میزان ستون
میزان تحقق تعهدات زمانی ساخت قطعه	۱۱	میزان برون سپارنده O.S.O
حجم همکاری	۹	O.S.O
تنوع قطعات ساخته شده	۱۰	O.S.O
تنوع فرآیندهای مورد همکاری	۱۲	میزان مهندسی
درصد قطعات مرجوعی	۱۱	Q.A
امتیاز آخرین ارزیابی	۱۳	O.S.O
میزان رقابت پذیری قیمت پیشنهادی	۸	بازگانی
میزان اعتبار صنعت نزد تامین کننده	۷	O.S.O و مهندسی و بازگانی
مدت همکاری	۶	O.S.O
انحصاری بودن فرآیند مورد همکاری	۱۰	O.S.O



گردد. شرکایی که سازمان می تواند بصورت استراتژیک از آنان سود جوید.

همچنین در این مقاله نکته مورد توجه، اطلاعات و فناوری اطلاعات است که در سازمانهایی که تصمیم به انجام برون سپاری دارند می بایست بعنوان پاشنه آشیل برون سپاری به آنها نگریسته شود.

چه بسا که سهل انگاری در خصوص نگهداری و استفاده از اطلاعات تجربه شده، زیان های بزرگی را به سازمان وارد آورده و موجب ناکامی او در امر برون سپاری گردد.

در خاتمه شایان ذکر است که می بایست توجه داشته باشید که تمامی مراحل ذکر شده، حلقه های زنجیره ی برون سپاری می باشند و نبود هر یک از آن ها «حلقه های مفقوده» موجب اختلال یا انحراف سیستم می گردد.



سازمان هزینه می گردند که این مطلب باعث از بین رفتن نظم موجود و عدم کنترل اتفاقات محتمل می گردد. لذا آثار سوء این مطلب بر روی تولید بموقع و برابر انتظار محصول نهایی نمایان می گردد. حال آنکه مهمترین نکته در حالت رکود مدیریت منابع مالی سازمان می باشد.

- جایگاه سازمان:

از آنجا که سازمان مشروحه جایگاه پشتیبانی تولید و ماهیت فنی دارد و همچنین نیاز به استقلال نیز برای آن ضروری می نماید، به نظر نگارنده بهترین جایگاه برای سازمان، یک سازمان مستقل است که مستقیماً زیر نظر معاونت تولید ایفای نقش می نماید.

قرار گرفتن این سازمان در مکان های دیگر موجب می شود تا حدودی استقلال سازمان از بین برود و ضعف و ایرادات O.S.O با سازمان ادغام شده هم پوشانی پیدا کند و در صورت وجود ضعف، بررسی و حل مسأله با دشواری بسیاری مواجه گردد.

- نتیجه:

همان گونه که اشاره گردید مزایای برون سپاری بر هیچ مدیری در سازمان پوشیده نیست. تنها ترس از مسائل جانبی و محیطی است که عاملی بازدارنده جهت برون سپاری قطعات در سازمان ها می گردد.

طبق مراحل پیش بینی شده در مقاله ی فوق - که بر گرفته از روشهای علمی بوده و بصورت عملیاتی نیز در سازمان سمت (ساخت موتورهای توربینی) اجرا گردیده و مشکلات آن استخراج و اصلاح گردیده است - مدلی جامع جهت انجام عملیات برون سپاری ارائه گردیده است.

این مدل نشان می دهد که تامین کنندگان یا شرکای صنعتی می بایست در هر مرحله از کار مورد ارزیابی واقع شوند و نتایج آنها ثبت و بهره برداری گردد تا پس از مدتی سازمان به لیستی از همکاران صنعتی توانمند مجهز



KRCCIMA 11

نام کابین کننده	نوع ارزیابی	تاریخ ارزیابی
حوزه مورد ارزیابی		
وزن اهمیت حوزه نسبت به کل		
معیار کیفی	معیار	معیار
NA	NOK	OK
1- کواهینامه ها		
15	معیار	معیار
2- سیستم کیفی		
16	معیار	معیار
3- نیروی انسانی		
17	معیار	معیار
4- تجهیزات و ماشین آلات		
18	معیار	معیار
نظر به نهایی ارزیاب:		
امتیاز نهایی:		
امضاء:		

نام کابین کننده	نوع ارزیابی	تاریخ ارزیابی
حوزه مورد ارزیابی		
وزن اهمیت حوزه نسبت به کل		
معیار کیفی	معیار	معیار
NA	NOK	OK
1- کواهینامه ها		
19	معیار	معیار
2- سیستم کیفی		
20	معیار	معیار
3- نیروی انسانی		
21	معیار	معیار
4- تجهیزات و ماشین آلات		
22	معیار	معیار
نظر به نهایی ارزیاب:		
امتیاز نهایی:		
امضاء:		



• دکتر دانیال کهریزی
• دانشیار دانشگاه رازی
• مشاور امور کشاورزی اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمانشاه

تفکر دولتی مانعی بزرگ در نقش آفرینی سازمان های مردم نهاد



۱۲ KRCCIMA

مردمی مدرن در شکل سازمانهایی است که از طرف مردم و در چارچوب موضوعات و معیارهای شناخته شده که غالباً در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، خدمات رسانی، سازماندهی، آموزشی، توسعه منطقه ای، حقوق بشر، امور خیرخواهانه و انسان دوستانه فعالیت می نمایند و حامی دولت می باشند و اینگونه سازمانها در سطح بین المللی و در اصطلاح کلاسیک به NGO) None Government Organization (اشتهار پیدا کرده است. بنابراین در شکل گیری و توسعه سازمان های مردم نهاد منابع انسانی نقش اساسی را داشته است.

همانطور که خوانندگان عزیز استحضار دارند پیشرفت هر کشوری مرهون تلاشهای بیشمار مهندسان آن است و در این رابطه یکی از با اهمیت ترین ارگانهایی که مستقیماً مسئولیت حمایت، ارتقاء علمی، و نظارت بر فعالیت مهندسان را بر عهده دارد، سازمان نظام مهندسی است.

مشارکت جمعی از دیر باز به صورت یک نهاد اجتماعی برای اهداف مختلف در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جوامع کوچک و بزرگ مرسوم و مطرح بوده و در این راستا شکل های متعددی براساس آداب و سنن و عرف اجتماعی، برای پیشبرد امور و نیل به اهداف تعیین شده موجودیت می یافت که جامعه ایرانی نیز به لحاظ دارا بودن روحیات مشارکت جویانه از این امر مستثنی نبوده است. قبل از قانونمند شدن، مشارکت های جمعی افراد و اشخاص در قالب یک تشکل، براساس قانونمندی های عرفی بوده لکن پس از تصویب قوانین و مقررات و نظامات دولتی شکل گیری تشکل ها تابع ضوابط و معیارهای حکومتی قرار گرفت که در آن نهادهای دولتی یا غیردولتی موظف گردیدند اهداف و نحوه چگونگی تشکیل و فعالیت خود را در قالب نظامات تعیین شده توجیه و مقید نمایند که در واقع آغازی بر ظهور تفکر اتخاذ شیوه های مشارکت جمعی مدرن در قالب تشکل های غیردولتی گردید و امروزه مشارکت های

اما در رابطه با شکل گیری سازمان مردم نهاد نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی یعنی بزرگترین تشکل تخصصی دانش آموختگان بخش کشاورزی، تأسیس آن قدم مثبتی بوده که باید سالها قبل برداشته می شد، با این وجود تجمع و سازماندهی متخصصان و کارشناسان در یک نهاد غیردولتی و پاسخگو، تعامل مثبت و اطمینان بخشی را بین دانش آموختگان کشاورزی و تولیدکنندگان و بهره برداران فراهم ساخت.

در مقاله حاضر سعی شده فعالیت سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی طی سالهای گذشته مورد توجه و ساختار آن مورد نقد قرار گرفته است.

حفظ پایداری محیط زیست و منابع پایه تجدیدشونده، استفاده ی بهینه از امکانات کشور، ارتقای توانمندیها و کارآمدی شاغلین بخش کشاورزی، سازماندهی خدمات فنی مهندسی بخش کشاورزی، اصلاح ساختار نیروی انسانی بخش با ساماندهی اشتغال کارشناسان از نخستین توقعات تأسیس نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی بود.

چهار سال نخست فعالیت این سازمان، دوران تأسیس، استقرار و شکل گیری ساختار و تدوین آیین نامه ها و مقررات و دستورالعمل ها بود. با شروع دوره چهار ساله ی دوم در سال ۸۵ و آغاز فعالیت شوراهای متشکل از اعضاء انتخابی و انتصابی، انتظار می رفت که تحولی اساسی در تحقق اهداف متعالی نظام مهندسی کشاورزی و همچنین پیگیری جهت تصویب اصلاحیه قانون تأسیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی رخ دهد. اما متأسفانه سازمان نظام مهندسی کشاورزی دچار رکود عجیبی شد و از افول و انفعال بیشتری نسبت به چهار سال اول فعالیت برخوردار گشت. با بررسی ترکیب شوراهای نظام مهندسی استانها و کشور شاهد حضور حداکثری و نزدیک به اکثریت نیروهای شاغل دولتی با افکار دولتی در بخش تصمیم گیری و تصمیم سازی نظام مهندسی می باشیم که این می تواند همان حاکمیت تفکر دولتی بر سازمان غیر دولتی باشد و این باعث عدم درک صحیح از شرایط بخش خصوصی و مشکلات آنها گردید و آن طور که باید و شاید احقاق حقوق اعضای سازمان که غالب آنها در بخش خصوصی شاغل و یا جویای کار هستند، محقق نگردید. چگونه می توان نقد منصفانه از دولت داشت در حالی که فرد منتقد خود شاغل در آن سیستم دولتی باشد؟ عدم حضور پررنگ سازمان نظام مهندسی کشاورزی در عرصه های مهم تصمیم گیری و تصمیم سازی کلان کشور و عدم مشاهده آرایه مطالبی در خصوص اظهارنظر نظام مهندسی کشاورزی در رسانه های جمعی عمومی و تخصصی و دفاع از حقوق به حق بهره برداران، متولیان و متخصصان در زمینه های مختلف و در نهایت عدم اظهارنظر در سیاستگذاریهای مختلف بخش کشاورزی همگی گویای این ادعاست. از این رو، به اعتقاد اغلب متخصصان بخش خصوصی این سازمان غیر دولتی تنها و تنها در شرایطی می تواند حرکت رو به جلوی خود را شدت بخشد و در جهت تحقق اهداف قانونی سازمان گام بردارد که توسط افرادی با افکار غیردولتی اداره شود.

تفکر دولتی باعث می شود تا سازمان های مردم نهاد نتوانند در اداره و پیشبرد امور نقشی داشته باشند.

دو عامل حاکمیت تفکر دولتی و تصاحب امور و قدرت توسط دولت باعث می شوند تا سازمان های مردم نهاد نتوانند در اداره امور کشوری نقش داشته باشند و این باعث شده تا مردم به سازمان های مردم نهاد به چشم نهادهای دست دوم و دست سوم بنگرند که این هم ناشی از عدم آگاه سازی مردم است. همچنین هنوز جایگاه سازمان های مردم نهاد در کشور آنطور که باید مشخص نیست و آنها مدیریت و تولید مشخص و ثابتی ندارند که باید این مهم هر چه سریع تر عملی شود.

در پایان اعتقاد بر این است که همه نهاد ها به سازمان های غیردولتی نیاز دارند تا بخشی از کارها توسط آنها انجام شود. البته در این راه مشکلات و موانع قانونی وجود دارد که می توان این مشکلات قانونی را از سر راه برداشت که نیازمند تعامل بیشتر سازمان های مردم نهاد و دولت است.

حفظ پایداری محیط زیست و منابع پایه تجدید شونده، استفاده ی بهینه از امکانات کشور، ارتقای توانمندیها و کارآمدی شاغلین بخش کشاورزی، سازماندهی خدمات فنی مهندسی بخش کشاورزی، اصلاح ساختار نیروی انسانی بخش با ساماندهی اشتغال کارشناسان از نخستین توقعات تأسیس نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی بود.

دو عامل حاکمیت تفکر دولتی و تصاحب امور و قدرت توسط دولت باعث می شوند تا سازمان های مردم نهاد نتوانند در اداره امور کشوری نقش داشته باشند و این باعث شده تا مردم به سازمان های مردم نهاد به چشم نهادهای دست دوم و دست سوم بنگرند که این هم ناشی از عدم آگاه سازی مردم است.





صور خاص جرم کلاهبرداری

• سابر افراسیابی
• عضو هیئت علمی دانشگاه
• وکیل دادگستری و مشاوره حقوقی
• مشاور حقوقی اتاق بازرگانی و معادن و کشاورزی کرمانشاه

کرده و مجازات مندرج در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی که عنصر قانونی کلاهبرداری قبل از انقلاب بود را برای تبانی کنندگان پیش بینی کرده است. به موجب ماده (۲) قانونگذار مذکور اشخاصی که به عنوان شخص ثالث در دعوی وارد شده به عنوان ثالث بر حکمی اعتراض کرده یا بر محکوم به حکمی مستقیماً اقامه دعوی نمایند و این اقدامات آنها ناشی از تبانی با یکی از اصحاب دعوی برای بردن مال یا تضییع حق طرف دیگر دعوی باشد. نیز کلاهبرداری محسوب شده و علاوه بر تادیه خسارات وارده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد تبانی هریک از طرفین دعوی اصلی با اشخاص فوق هم به موجب همین ماده (۲) در حکم کلاهبرداری محسوب شده است. آنچه که از این قانون استنباط می شود آن است که صرفاً اقامه دعوی بدون توجه به نتیجه حاصل از آن کلاهبرداری محسوب و مجرمین به مجازات مقرر محکوم می گردند.

۵- انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی

به موجب ماده (۱) "قانون راجع به انتقال مال غیر" مصوب فروردین ۱۳۰۸ " کسی که مال غیر را با علم به این که مال غیر است به نحوی از انحا عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می شود و همچنین است انتقال گیرنده که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده باشد. آنچه که این گونه انتقالها را از معاملات فضولی صرف (قانون مدنی) متمایز می گرداند سوء نیت انتقال دهندگان در ایراد ضرر به غیر است که ممکن است در همه معاملات فضولی وجود نداشته باشد. بنا به تصریح ماده قانونی انتقال مال اعم است از انتقال عین یا منفعت بنابراین کسی که مال غیر را بدون مجوز قانونی اجاره می دهد نیز مشمول حکم این ماده قرار می گیرد. اموال غیر منقول نیز مشمول آن قرار می گیرند این موضوع توسط دیوان عالی کشور در آرای مختلفی مورد تأکید قرار گرفته است. باتوجه به آرای دیوان عالی کشور شمول ماده به شرکایی که مال مشاع را به دیگری منتقل می کنند محتمل به نظر می رسد در مورد شریکی که بخشی از مال مشاع را به دیگری منتقل می کند اداره حقوقی قوه قضائیه در یکی از نظریه های مشورتی خود اشعار داشته است: "هرچند انتقال ملک مشاع به نحو مفروز از لحاظ حقوقی بدون موافقت سایر شرکا نافذ نیست ولی اگر مورد انتقال معادل سهم انتقال دهنده باشد از جهت این که سونیت نداشته جنبه کیفری ندارد و در غیر این صورت انتقال مال غیر تلقی می شود. در مورد غیر قابل گذشت بودن جرم انتقال مال غیر نیز اداره حقوقی معتقد است: با توجه به این که انتقال مال غیر حسب قانون مصوب فروردین ماه ۱۳۰۸ کلاهبرداری بشمار آمده است و با عنایت به این که طبق رای وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱ دیوان عالی کشور کلاهبرداری غیر قابل گذشت می باشد بنابراین انتقال مال غیر موضوع قانون مذکور نیز غیر قابل گذشت است.

۶- معرفی مال دیگری به عوض مال خود

به موجب ماده (۲) "قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می نمایند" مصوب ۱۳۰۸/۲/۳۱ "محکوم علیه یا مدیون یا

علاوه بر جرم عام کلاهبرداری، که قانونگذار آن را در ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مورد حکم قرار داده است، برخی از جرایم خاص نیز که از خانواده کلاهبرداری محسوب می شوند طی یک سلسله مواد و قوانین متفرقه مورد حکم قرار گرفته اند.

۱- ورشکستگی به تقصیر یا تقلب:

در قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ سه ماده در فصل بیست و سوم به عنوان (ورشکستگی) اختصاص داده شده است و بدین ترتیب این عناوین از عنوان کلاهبرداری جدا شده است.

قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ مجازات ورشکسته به تقلب را طبق ماده ۶۷۰ از یک تا پنج سال حبس و مجازات ورشکسته به تقصیر را طبق ماده ۶۷۲ از شش ماه تا دو سال حبس تعیین کرده است. به علاوه بر طبق ماده ۶۷۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ "هرگاه مدیر تصفیه در امری رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته مستقیماً یا مع الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به طریق دیگر تبانی نماید. به شش ماه تا سه سال حبس و یا به جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم می گردد."

۲- تعدی نسبت به دولت

ماده ۵۹۹ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ برای اشخاصی که عهده دار انجام معامله یا ساختن یا امر به ساختن آن برای هریک از ادارات و سازمانها و موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت و دیوان محاسبات عمومی و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و می باشند و به واسطه تدلیس در معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل می کنند مجازات حبس از شش ماه تا پنج سال را تعیین کرده است این افراد علاوه بر این به جبران خسارات وارده نیز محکوم می شوند. جرم موضوع ماده ۵۹۹ ماهیتاً تفاوت قابل ذکری با جرم کلاهبرداری عام ندارد.

۳- دسیسه و تقلب در کسب و تجارت

دسیسه و تقلب در معامله ماهیتاً فرقی با کلاهبرداری ندارد لیکن قانونگذار بنا دلایلی تحمیل مجازات کلاهبرداری عام را به مرتکبین این گونه اعمال به مصلحت ندانسته و مجازات کمتری را برای آنان پیش بینی کرده بود. اما این مواد در قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ حذف شده اند و بنابراین در این گونه موارد باید به سایر مواد قانونی و از جمله ماده عام راجع به کلاهبرداری استناد نماییم.

۴- تبانی و مواضعه برای بردن مال غیر

قانونگذار در ماده (۱) "قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می نمایند" مصوب ۱۳۰۷/۵/۳ اقامه دعوی صوری اشخاص را علیه یکدیگر که بر اثر تبانی بین آنها و به قصد بردن مال متعلق به غیر صورت می گیرد نوعی تشبیه به وسایل متقلبانه برای بردن مال غیر محسوب

۱- مجازات جرم کلاهبرداری ساده عبارت است از یک تا هفت سال حبس، جزای نقدی معادل مال مآخوذه و رد مال و مجازات جرم کلاه برداری مشدد علاوه بر دو مورد اخیر عبارت است از دو تا ده سال حبس.



KRCI IMA

این ماده موردی را هم که ملک به طور اشاعه بین متقاضی ثبت و دیگری بوده و او به نام خود تمام آن را مورد تقاضا قرار داده باشد شامل است. آخرین نکته ای که مورد مواد ۱۰۵ الی ۱۰۹ قانون ثبت قابل ذکر می رسد تفاوت جرایم موضوع این مواد با جرم عام کلاهبرداری از لحاظ برخورداری از حیثیت خصوصی است اما جرم کلاهبرداری - موضوع ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری " واجد جنبه عمومی است " لیکن ماده ۱۱۱ قانون ثبت اشعار می دارد : " در مورد مواد قبل تعقیب متهم موکول به شکایت مدعی خصوصی است. " (طبق ماده اصلاحی مصوب ۱۳۱۲/۷۵ مقصود از مواد قبل مواد ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹ می باشد).

۸-۲) رد حق به صاحب آن

به موجب ماده ۱۱۶ قانون ثبت در مورد املاکی که به رهن یا به یکی از عناوین مذکوره در ماده ۳۳ انتقال داده شده و رهن یا انتقال دهنده مکلف است حق طرف را در ضمن اظهار نامه خود قید نماید در صورتی که رهن یا انتقال دهند به این تکلیف عمل ننمود مرتبه یا انتقال گیرنده می تواند تا یک سال از تاریخ انقضای مدت حق استرداد یا رهن به وسیله اظهار نامه رسمی حق خود را مطالبه کند هرگاه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه رهن یا انتقال دهنده حق طرف را نداد کلاهبرداری محسوب خواهد شد.

اگر اخطار قبل از انقضای مدت حق استرداد و رهن به عمل آمده باشد رهن یا انتقال دهنده وقتی مجرم خواهد بود که در صورت بقای ملک به ملکیت او حق طرف را ۱۰ روز پس از ابلاغ اظهار نامه در اداره ثبت تقدیم ننماید. و در صورتی که ملک به ملکیت او باقی نباشد وقتی مجرم محسوب خواهد شد که تا ۱۰ روز پس از انقضای مدت حق استرداد و یا رهن حق مرتبه یا انتقال گیرنده را تادیه نکند.

۸-۳) انجام معامله معارض

عمل شخصی که "به موجب سند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی (اعم از منقول یا غیر منقول) حقی به شخص یا اشخاص داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت به موجب سند رسمی معامله یا تعهدی معارض با حق مزبور نماید" شبیه به کلاهبرداری داست و به موجب ماده ۱۱۷ قانون ثبت موجب حبس از سه ماه تا ده سال می شود. در این ماده نکته مبهمی وجود دارد می دانیم که به موجب بند اول ماده ۴۷ " قانون ثبت اسناد و املاک " در برخی از نقاط ثبت رسمی اسناد مربوط به عقود و معاملات اموال غیر منقول اجباری است حال اگر کسی در این قبیل نقاط با وجود اجباری بودن ثبت رسمی اسناد قبلا معامله ای معارض با معامله نسبت به مال غیر منقول به وسیله سند عادی انجام دهد و سپس به موجب سند رسمی معامله ای معارض با معامله اول در مورد همان مال واقع سازد آیا می توان عمل او را از مصادیق ماده ۱۱۷ دانست؟ دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه خود ضمن اشاره به این که شرط تحقق بزه موضوع ماده ۱۱۷ قابلیت تعارض دو معامله یا تعهد نسبت به یک مال می باشد و در نقاطی که ثبت رسمی اسناد مربوط به عقود و معاملات اموال غیر منقول اجباری باشد سند عادی راجع به معامله آن اموال طبق ماده ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نشده و قابلیت تعارض با سند رسمی را نخواهد داشت به این سوال پاسخ منفی داده است.

۹- کلاهبرداری در شرکتها

۹-۱) کلاهبرداری در شرکتهای سهامی

به موجب ماده ۲۴۹ "لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت" راجع به شرکتهای سهامی (مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ "هرکس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خریداوراق بهادار شرکت سهامی به صدور

ضامن یا کفیلی که بدون مجوز قانونی و با علم به این که مال متعلق به او نیست مال خود معرفی کرده و عملیاتی نسبت به آن مال شده باشد مطابق قسمت اخیر ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد. بدین ترتیب عمل مادی برای تحقق این جرم عبارت است از معرفی مال غیر که توسط محکوم علیه یا مدیون یا ضامن یا کفیل صورت می گیرد نتیجه حاصله از این عمل باید انجام عملیاتی نسبت به مال باشد.

۷- تبانی در معاملات دولتی

در مواردی که تبانی در معاملات دولتی مشمول ماده (۱) "قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری" و نیز ماده ۵۹۹ قانون تعزیرات، که قبلا مورد اشاره قرار گرفت نباشد می توان بر اساس "قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹ مرتکب را محاکمه و مجازات کرد ماده واحد مذکور اشعار می دارد."

اشخاصی که در معاملات یا مناقصه ها و مزایده های دولتی یا شرکتها و موسسات وابسته به دولت یا مامور به خدمت عمومی و یا شهرداریها با یکدیگر تبانی کنند و در نتیجه تبانی ضرری متوجه دولت و یا شرکتها و موسسات مذکور شود و به حبس جنحه ای از یک تا سه سال و جزای نقدی به میزان آنچه من غیر حق تحصیل کرده اند محکوم می شوند.

هرگاه مستخدمین دولت یا شرکتها و یا موسسات فوق در انجام معامله یا مناقصه یا مزایده دخالت داشته باشند و با علم یا اطلاع از تبانی معامله را انجام دهند یا نحوی در تبانی شرکت یا معاونت کنند به حداکثر مجازات حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و شرکتها و موسسات وابسته و به دولت و شهرداریها و محکوم خواهند شد. در کلیه موارد مذکور در صورتی که عمل مطابق قانون مستوجب کیفر شدیدتر باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ اعمال مختلفی را در حکم کلاهبرداری محسوب کرده که در زیر به اختصار به آنها اشاره می کنیم:

۸-۱) تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری:

مطابق ماده ۱۰۵ قانون ثبت اسناد و املاک "جز در مورد مذکور در ماده ۳۳ (راجع به بیع شرط و امثال آن) هرکس تقاضای ثبت ملک را بنماید که قبلا به دیگری انتقال داده یا با علم به این که به نحوه ی ار انحا قانونی سلب مالکیت از او شده است و معینا سند مالکیت بگیرد یا سند مالکیت نگرفته ولی پس از اخطار اداره ثبت حاضر برای تصدیق حق طرف نباشد و ماده ۱۰۶ مقررات فوق را در مورد وارثی که با علم به انتقال ملک از طرف مورث خود یا با علم به این که به نحوه یاز انحا قانونی سلب مالکیت از مورث او شده بوده است و تقاضای ثبت آن ملک یا تقاضا صدور سند مالکیت آن ملک را به اسم خود کرده و یا پس از اخطار اداره ثبت مطابق قسمت اخیر ماده فوق عمل نکند جاری دانسته است. و همچنین ماده ۱۰۹ کسی که خود را نسبت به ملک که در تصرف دیگری می باشد متصرف قلمداد کرده و تقاضای ثبت کند را کلاهبرداری محسوب کرده است اختلافات راجع به تصرف در حدود از شمول این ماده مستثنی شده اند.

همانطور که ملاحظه می شود قانونگذار در برخی از مواد فوق صرف تقاضای ثبت ملک را کلاهبرداری محسوب کرده است در حالی که متقاضی در زمان تقاضای ثبت هنوز در مرحله شروع به جرم قرار دارد و حکم به ارتکاب جرم تام با اصول کلی حقوقی هماهنگ نیست و در هر حال باید بین کسی که تنها تقاضای ثبت را کرده است و کسی که موفق به ثبت ملک به نام خود در دفتر ثبت املاک شده است و فرق گذاشته شود. ابهامی که در مواد راجع به تقاضای ثبت ملک متعلق به غیر وجود دارد تقاضای ثبت تمام ملک مشاع به نام یکی از شرکا می باشد دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود با اشاره به ماده ۱۰۵ اشاره می دارد که



KRCCIMA 15

خواهد شد.

۱۱- جعل عنوان نمایندگی بیمه

به موجب تبصره ماده ۶۹ "قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران" مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ هر شخص حقیقی که بدون داشتن پروانه از موسسه بیمه تحت عنوان نمایندگی بیمه برای هر یک از رشته ها قبول نماید به مجازات مقرر در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهد شد.

۱۲- سوء استفاده از ارزش دریافتی از دولت

بر طبق تبصره (۲) ماده (۲) "قانون راجع به معاملات ارزی" مصوب سال ۱۳۲۷ هر کس برای ورود کالا ارزی از دولت دریافت دارد و به مصرفی که دولت برای آن ارزش داده است نرساند و یا به قیمت آزاد در بازار سیاه بفروشد و یا از طریق دیگر سو استفاده نماید و یا جنسی که با ارزش دولتی تهیه می کند از قیمت مقرر قانونی گرانتر بفروشد کلاهبردار محسوب و بر طبق ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی قابل تعقیب است.

آنچه که در موارد دوازده گانه فوق مشاهده می شود ارجاع به ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی است که با نسخ ماده ۲۳۸ به وسیله ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات و پس از آن ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری وضعیت این قوانین متفرقه با ابهام روبرو شده است. بنظر می رسد در مواردی که قوانین مذکور به واژه "کلاهبردار یا کلاهبرداری اشاره شده است در حال حاضر بتوان مرتکبین را بر اساس ماده (۱) که فعلا عنصر قانونی جرم کلاهبرداری را در حقوق ایران تشکیل می دهد مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

در این مورد، دیوان عالی کشور در یکی از آرای وحدت رویه خود در مورد "مجازات فعلی جرایم مذکور در قانون راجع به انتقال مال غیر" با توجه به قوانین جدید راجع به کلاهبرداری اشعار می دارد: نظر به این که ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ انتقال دهندگان مال غیر را کلاهبردار محسوب کرده و مجازات کلاهبرداری را در تاریخ تصویب آن قانون ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی تعزیرات از حیث تعیین مجازات کلاهبرداری جایگزین قانون سابق و سپس طبق ماده یک قانون تشدید و برابر ماده ۸ همان قانون کلیه مقررات مغایر با قانون مزبور لغو گردید است لذا جرایمی که به موجب قانون کلاهبرداری محسوب شود از حیث تعیین کیفر مشمول قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ می باشند.

اداره حقوقی قوه قضایه نیز به موجب یک از نظریات مشورتی خود معتقد است که با توجه به کلاهبردار محسوب شدن منتقل کننده مال غیر تمام آثار جرم کلاهبرداری بر بزه انتقال مال غیر نیز بار می شود و لذا با تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ بزه انتقال مال غیر مشمول مقررات مربوط به کلاهبرداری در آن قانون به شمار می رود.

یا این حال می توان گفت این آرا و نظریات مربوط به مواردی هستند که قانون عملی را کلاهبرداری محسوب کرده باشد، در حالی که اگر قانون مورد بحث صرفاً "مجازات" مندرج در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی را برای عملی تعیین کرده بود بدون آن که وی را صراحتاً کلاهبردار محسوب نماید راه مقرون به صواب اعمال همان مجازات مندرج در ماده ۲۳۸ است با توجه به اخف بودن آن به حال مرتکب.

اقتباس از کتاب جرایم علیه اموال و مالکیت. نوشته دکتر حسین میرمحمدصادقی



اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرض که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب باشد مرتکب در حکم کلاهبرداری بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

۲-۹) کلاهبرداری در شرکتهای مختلف سهامی

به موجب ماه ۲۹۹ "لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت" مصوب ۱۳۴۷ / ۱۲ / ۲۴ "آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکتهای سهامی که ناظر بر ستیر انواع شرکتهای سهامی تجاری می باشد نسبت به آن شرکتهای به قوت خود باقی است." و به موجب ماده ۱۸۰ قانون تجارت برخی از مواد این قانون (از جمله ماده ۹۲) در مورد شرکت مختلف نیز لازم الرعایه می باشد به موجب ماده ۹۲ مذکور اشخاص زیر کلاهبرداری محسوب شده اند.

۱- ۲- ۹ هر کس بر خلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد یا تادیه سهام یا تادیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تادیه ای را که واقعیت ندارد اعلام یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل دیگری را وارد به تعهد خرید سهام یا تادیه قیمت سهام نماید اعم از این که عملیات مذکور موثر واقع شده یا نشده باشد.

۲- ۲- ۹ هر کس به طور تقلب برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام، اسم اشخاصی را بر خلاف واقع به عنوانی از عناوین جزء شرکت قلمداد نماید.

۳- ۲- ۹ مدیرانی که با نبود صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.

۳- ۹) کلاهبرداری در شرکتهای با مسوولیت محدود

به موجب ماده ۱۱۵ قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ اشخاص زیر کلاهبرداری محسوب می شوند:

۱- ۳- ۹ موسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم شرکت نقدی و تقویم و تسلیم سهم شرکت غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

۲- ۳- ۹ کسانی که به وسیله متقلبانه سهم شرکت غیر نقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

۳- ۳- ۹ مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکاه تقسیم کنند

۱۰- تحصیل متقلبانه تصدیق انحصار وراثت

به موجب ماده (۹) "قانون تصدیق انحصار وراثت" مصوب مهر ماه ۱۳۰۹ هر کس با علم به عدم وراثت خود یا با علم به وجود وراثت غیر از خود تصدیق وراثت تحصیل نماید کلاهبرداری محسوب و علاوه بر جبران خسارات به مجازاتی که به موجب قانون برای این جرم مقرر است محکوم



۱۶ KRCIMA

زندگی دیجیتال؛ تهدید یا فرصت؟

• فرانک قراهایی جم ————— حریم خصوصی در دنیای دیجیتال وجود خارجی ندارد

دسترس همه قرار دهد. ممکن است برای آنها که استفاده از عینک گوگل را تجربه نکرده اند این سوال مطرح باشد که از پشت این عینک چه چیزهایی را می توان دید. کارشناسان می گویند این عینک آینده دنیای ارتباطات و کامپیوتر است. شما از پشت این عینک چیزهایی می بینید که دیگران نمی بینند و به اطلاعاتی دسترسی دارید که بدون استفاده از ابزارهای پیشرفته، امکان دستیابی به این اطلاعات وجود ندارد. شاید ورود این عینک به بازارهای جهانی به منزله پایان یافتن حریم خصوصی است البته در پی تشدید نگرانی ها از محصول جدیدی که گوگل قرار است به بازار عرضه کند، سرگئی برین و لری پیج از بنیانگذاران گوگل از مردم خواسته اند به این شرکت که عنوان غول بزرگ جستجوی اینترنتی را از آن خود ساخته است، اعتماد کنند و از امنیت اطلاعات در گوگل هراسی به دل راه ندهند. آنها می گویند محصول جدید هیچ تاثیری بر حریم خصوصی زندگی افراد ندارد؛ چراکه امنیت و کنترل ارتباطات کاربران از مهم ترین اهداف گوگل است. آنها به کاربران این اطمینان را داده اند که اطلاعات خصوصی همواره خصوصی باقی می ماند و همانند گذشته به صورت محرمانه نگهداری می شود.

از هویت دیجیتال خود مراقبت کنید

آنچه موجب نگرانی شده این است که عینک های گوگل می توانند ابزاری برای انتقال صدا، صوت و حتی عکس و فیلم باشند. شاید تصور این که با فراگیر شدن این فناوری، عینک گوگل به عنوان ابزاری جاسوسی، همه افراد را خارج از محدوده خانه های شخصی آنها زیر نظر بگیرد همان اندازه غیرواقعی باشد که ۱۵ سال پیش تماشای تلویزیون، گوش دادن به رادیو یا حتی عکاسی و فیلمبرداری با تلفن همراه غیرواقعی به نظر می رسید. آنچه مسلم است این که رشد روز افزون فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی از یک سو، موجب سهولت ارتباطات و تبادل اطلاعات شده و از سوی دیگر مفهوم حریم خصوصی را تغییر داده است و رفته رفته این حریم خصوصی را به چهار دیواری که در آن زندگی می کنیم، محدود کرده است. به عبارت دیگر به محض این که از این چهار دیواری خارج می شویم دیگر تضمینی برای حفظ حریم خصوصی وجود ندارد. در حقیقت مردم دچار سرگردانی شده اند و نمی دانند حریم خصوصی آنها چه محدوده ای را شامل می شود تا از آن محافظت کنند. کسی چه می داند شاید لازم باشد سازمان هایی راه اندازی شود که مسئولیت حفظ حریم خصوصی ما را به عهده گیرد. دیگر به جایی رسیده ایم که باید بگویم در دنیای دیجیتال حریم خصوصی وجود خارجی ندارد. در این دنیای بزرگ، چشم ها و گوش های مجازی همه جا وجود دارد و مفهوم مرزهای فیزیکی و حتی جغرافیایی گرچه هنوز خیلی بی معنی نشده است، اما روز به روز کمرنگ تر می شود. اگر می خواهید در دنیای امروز حرفی برای گفتن داشته باشید باید دیجیتالی باشید در غیر این صورت شاید هویتتان را از دست بدهید. درست است که فناوری های جدید، کنترل حریم خصوصی دیجیتال را پیچیده تر کرده است؛ اما هنوز هم راهی برای در امان ماندن از پیامدهای ناشی از این تغییر وجود دارد و آن هم این است که از اطلاعات شخصی و خصوصی مان محافظت کنیم. در دنیایی که همه با هم در ارتباط هستند می توان از هر اطلاعاتی رونوشتی تهیه کرده و آن را در جای دیگری با هزاران نفر که شاید حتی شما آنها را شناسید این اطلاعات را به اشتراک گذاشت. پس بهتر است قدری محتاط تر از همیشه عمل کنید و از این اطلاعات محافظت کنید تا به دردمرست نرسد.

در گذشته ای نه چندان دور، تنها با یک راهکار ساده یعنی با ممنوعیت استفاده از دوربین در مکان های عمومی می توانستیم حفظ حریم خصوصی زندگی افراد را تضمین کنیم؛ اما وقتی گوشی های تلفن همراهی به بازار عرضه شد که دوربین هایی با قابلیت عکاسی و فیلمبرداری را در خود جای داده بودند، حریم خصوصی رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. از طرفی دیگر با گسترش شبکه های ارتباطی و فراگیر شدن کاربرد کارت های بانکی اعتباری برای پرداخت هزینه هتل ها، رستوران ها یا حتی خرید از فروشگاه، استفاده از کارت های اعتباری در مبادلات با استقبال عمومی مواجه شد. گرچه این امکانات می توانست برای مشتریان بانک ها مزایایی به همراه داشته باشد، اما این تنها یک روی سکه بود. روی دیگر سکه امکان دسترسی به اطلاعاتی از قبیل زمان و مکان هایی بود که مشتریان از آنجا خرید می کردند و این اطلاعات براحتی در اختیار برخی کارمندان بانک ها قرار می گرفت. با فراگیر شدن اینترنت روز به روز بر تعداد کاربران دنیای ارتباطات و اطلاعات افزوده می شود؛ کاربرانی که از هرگونه فعالیت آنها در این دنیای بزرگ ردپایی برجا می ماند. در حقیقت همه این تحولات را می توان نخستین قدم ها برای فرو ریختن دیوارهای سنتی حریم خصوصی زندگی افراد دانست که امروز پس از گذشت چند سال به آن خو گرفته ایم.

فناوری های جدید، تهدید های جدید

معرفی عینک گوگل، دلپره و اضطراب جدیدی در دل کاربران محصولات دیجیتال ایجاد کرده که ناشی از خطری است که بیش از پیش حریم خصوصی کاربران دنیای دیجیتال را تهدید می کند. با این که در بسیاری از اماکن عمومی، عکاسی و فیلمبرداری ممنوع است، عینک گوگل این قابلیت را دارد که بتوان بدون این که کسی متوجه شود به کمک آن مخفیانه عکس گرفت یا فیلمبرداری کرد. در دنیای امروز، فناوری های نوین ارتباطی مانند شبکه های اجتماعی به راهکارهایی مجهز شده اند که به کمک آنها می توانند به اطلاعات شخصی درباره افراد دسترسی داشته باشند. نکته: درست است که فناوری های جدید، کنترل حریم خصوصی دیجیتال را پیچیده تر کرده؛ اما هنوز هم راهی برای در امان ماندن از پیامدهای ناشی از این تغییر وجود دارد و چاره این است که از اطلاعات شخصی و خصوصی مان محافظت کنیم. بنابراین تردیدی نیست در چنین شرایطی پیشرفت فناوری بویژه فناوری های ارتباطی و ورود نسل جدید ابزارهای ارتباطی مانند عینک گوگل که سر و صدای زیادی در دنیای دیجیتال به راه انداخته است به نوعی به منزله ورود مخفیانه به حریم زندگی خصوصی کاربران دنیای دیجیتال باشد. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که ورود محصولاتی جدید مانند عینک گوگل در زندگی امروز می تواند تعریف حریم خصوصی را دستخوش تحولات اساسی کند. از نظر فناوری به نظر می رسد عینک گوگل چیزی کم ندارد و سازندگان و طراحان فکر همه چیز را کرده اند اما عده ای تصور می کنند استفاده از این عینک به معنی نقض حریم خصوصی زندگی افراد است. چراکه این فناوری از قابلیت های بالقوه ای برای زیر نظر قرار دادن افراد و دستیابی به اطلاعات شخصی آنها برخوردار است و می توان آن را نوعی ابزار جاسوسی پیشرفته تلقی کرد. به همین دلیل استفاده از عینک گوگل در بسیاری از اماکن عمومی مانند سینما ها در آمریکا ممنوع اعلام شده و این طور به نظر می رسد که روز به روز دایره ممنوعیت آن نیز افزایش یابد. دوربین این عینک به اینترنت متصل است و می تواند به طور مداوم عکس هایی که می گیرد و فیلم هایی که ضبط می کند را از طریق اینترنت در





جهان در حال تحول و باز نگری نقش دانشگاهها در بازار کار

• دکتر سهراب دل انگیزان
• عضو هیئت علمی دانشگاه رازی
• مشاور اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه

است. همچنین کالاهای تولیدی اقتصاد دانایی محور جدید همگی از فناوری تولیدی بالایی برخوردار بوده به تبع تقاضای نیروی کار نیز نسبت به قبل تغییر یافته است. تعامل این درخواستهای جدید اجتماعی و اقتصاد، پدیده های جدیدی چون بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی را به دنبال داشته که از اولین امواج منفی اقتصادی در ابتدای هزاره سوم مخصوصاً در جوامع جهان سوم به شمار می آید. این موضوعات مباحث با اهمیتی را تشکیل میدهند که این نوشتار برخی از این مطالب را به گونه ای مختصر مورد بررسی قرار داده و به بحث می گذارد.

۱- تحولات ساختاری در نظام آموزش عالی:

در آستانه قرن بیست و یکم تحولات بنیادینی در فرایندها و محصولات آموزش عالی در جهان صورت گرفته است. انفجار اطلاعات، توسعه ارتباطات، تحولات در نظامهای اداره حکومت، تحولات فرهنگی و بهم پیوستگی جوامع جهانی، نگاه و نیاز به آموزش عالی را دستخوش تحول و تغییر اساسی نموده است (فراستخواه و کبریایی، ۱۳۷۷). جدول شماره یک برخی تغییرات اساسی و ساختاری را در فرایندها و محصولات آموزش عالی طی چند دهه گذشته نشان می دهد.

لذا به نظر میرسد فرایند تحولات جهان هم از دانشگاهها شروع میشود و هم به دانشگاهها ختم میگردد. دانشگاهها با تولید دانش و اطلاعات، نیروی انسانی تحصیل کرده و ارائه خدمات تخصصی سطح بالا، امکان تولید تجهیزات و امکانات جدید را بوجود می آورند. تنوع و گسترش تولید نتیجه عملی فرایند تولید دانش و تجهیزات تخصصی و سرمایه انسانی هستند، و از طرفی دیگر با تغییر فضای فرهنگ و اقتصاد اجتماعی و ایجاد تحولات بعدی که در اثر افزایش ذخیره دانش بشر صورت می گیرد، مجدداً تغییرات بوجود آمده را به عنوان سوال اساسی مورد نقد و بررسی قرار داده و دست مایه تولید دانش جدید می نمایند. با این حال همواره این سوال محوری مطرح است که آیا دانشگاهها در فرایند تغییر و تحول اجتماعی و اقتصادی، توانایی و انعطاف پذیری لازم را برای تطبیق خویش با شرایط بوجود آمده مخصوصاً مقتضیات بازار کار را دارند، و در مرحله عالی تر آیا دانشگاهها توان و امکان برنامه ریزی و ساختن جامعه دانش محور آینده را دارند؟

آنچه در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته، نقش دانشگاهها در آفرینش و مدیریت تحولات اجتماعی و اقتصادی به ویژه در بازار کار است. تغییرات ساختاری در درخواستهای جامعه دانایی محور امروزی از دانشگاهها، تقاضای فزاینده زنان برای آموزش عالی در پاسخ به نیازهای بازار کار، همگانی شدن و توده ای شدن آموزش عالی، بومی شدن و نقش با اهمیت دانشگاهها در تولید و توسعه سیستم ابداعات ملی (NIS)، تعریف جدیدی از نقش آفرینی دانشگاهها را در آتانه قرن ۲۱ ارائه نموده است. این مقاله با استفاده از روش بررسی اسنادی و تحلیل محتوا به تجزیه و تحلیل چگونگی تولید و توسعه سرمایه انسانی و تحول در نیازهای بازار کار می پردازد. نیز تغییر چشم انداز فرا روی دانشگاهها و تحول در شکل و محتوا و چالشهای فراروی نظام آموزشی عالی در قرن بیست و یکم مورد کنکاش قرار گرفته است. در پایان نیز جمع بندی و پیشنهاداتی در راستای دست یافتن به پاسخهای مناسب برای چالشهای فراروی آموزش عالی در ابتدای قرن بیست و یکم عنوان گردیده است.

مقدمه :

تحولات شگرف انتهای قرن بیستم و پیش بینی انقلابهای علمی، اطلاعاتی و مدیریتی در قرن بیست و یکم، مبین ابهام اساسی در مواجهه با آینده است. نقش محوری دانشگاهها و نظام آموزش عالی در شکل گیری و رهبری این تحولات انکار ناپذیر بوده و برای تدوین و دسترسی صحیح به آینده ای مناسب، چشم جهانیان مجدداً به دانشگاهها دوخته شده است. دانشگاهها خواستگاه انتظارات پیش رونده انسان دانایی محور و به تبع آن جامعه دانش مدار بسیار پیچیده امروزی است. تحول در انتظارات به صورت تحول در بافت تقاضا برای کالاها و خدمات مورد مصرف جامعه نمود یافته و با علامتهای قیمتی رفتار بنگاههای اقتصادی را به تغییر و تحول دعوت می نماید. بخش اعظم مصرف انسان امروزی به صورت خدمات مصرفی نمود یافته و خدمات دانش محور تحولات عالی و فناوری و مدیریت اطلاعات سهم بزرگی از هزینه های خانوارها را به خود اختصاص داده است. بازار کار متحول شده و افزایش نقش زنان در توسعه سهم آنان را در عرضه نیروی کار و بافت اشتغال به شدت افزایش داده



KRCIMA